

فرو دستی «توسعه» یا عزتمندی تمدن سازی، کدامیک؟ (بخش ۱)

جهانی سازی: طرحی برای سلطه شرکت

های جهانی و نابودی حاکمیت دولت ها^۱



تصویر: PBS.org

نگارش: جان کاونان و جری مندر

مقدمه مترجم

«جذب سرمایه گذاری خارجی»، «افزایش صادرات»، «گرفتن وام از بانک های بین المللی» و «مقررات زدایی» از جمله سیاست های پیشنهادی ای است که این روزها برای برون رفت از رکود در تولید، ایجاد فرصت های شغلی و افزایش ثروت در جامعه ما، به گوش می رسد. این در حالی است که کشورهایی که قبلا همین سیاست ها را با انتظاراتی مشابه اتخاذ کرده اند، از تصمیم خود پشیمان اند. تجارب این کشورها در عمل گواهی می دهد که با اتخاذ این سیاست ها، نه تنها انتظارات یاد شده برآورده نمی شود، بلکه گزینه های اقتصادی و حاکمیت ملی کشورها به شدت کاهش می یابد به طوری که بر وابستگی و آسیب پذیری ملت ها افزوده و از اختیارات دولت ها در وضع قوانین و مقررات در راستای حفاظت از منافع ملی خود کاسته می شود. اتخاذ این سیاست ها با خواست ملت های مستقل در تحقق اقتصاد مقاومتی در تضاد آشکار است.

محدودیت های اسارت بار مرتبط با سیاست های نامبرده چیز پنهان یا مبهمی نیست که حاشا شود. یکی از مبلغین مشهور جهانی سازی که اتخاذ این سیاست ها و پیوستن به جهانی سازی را برای پیشرفت و توسعه کشورها مطلقاً ضروری می داند با صراحت، مجموعه سیاست های لازم را به «کت بند طلایی»^۲ تشبیه کرده

^۱ این نوشته ترجمه متن زیر است:

- Chapter 2: Design for Corporate Rule, in John Cavanagh and Jerry Mander, eds. 2004. *Alternatives to Globalization: A Better World Is Possible*. San Francisco: Berrett-Koehler Publishers.

^۲ golden straitjacket

کت بند نوعی لباس است که در مراکز نگهداری و پرستاری از بیماران روانی به کسانی که احتمال آسیب زدن به خود و دیگران را دارند پوشانده می شود. این لباس، فرد را از هر گونه حرکت ارادی باز می دارد. افزودن کلمه «طلایی» به واژه کت بند می خواهد این معنی را تداعی کند که اگر چه توسعه با پیروی از الگوی تجارت جهانی موجب محدودیت های بسیار شدیدی برای کشورهای تابع این سیاست ها می شود، اما نتایجی طلایی در اقتصاد آنها خواهد داشت. ولی

است. وی، به زبانی که می‌کوشد تا از زندگی اسارت‌های این کت بند بکاهد و آن را حتی جذاب جلوه دهد، عملکرد آن را اینچنین توصیف می‌کند:

«هنگامی که یک کشور این «کت بندِ طلایی» را به تن می‌کند دو چیز رخ می‌دهد: یکی اینکه اقتصادش رشد می‌کند، رشدی که از رهگذر خصوصی‌سازی، مقررات زدایی، افزایش تجارت با دیگر کشورها و جذب سرمایه‌گذاری خارجی میسر می‌شود. دوم اینکه، گزینه‌ها در سیاستگذاری [برای این کشور]، خیلی ساده می‌گردد. این گزینه‌ها همان‌هایی هستند که توسط بانکداران بزرگ و بازارهای جهانی برای او تعیین می‌شود.»³

بر اساس تجربه دیگر کشورها، ابعاد پیامدهای زیانبار پوشیدن این کت بند برای جمیع اقشار مردم و برای کل کره زمین به قدری پرهزینه و دامنه‌دار بوده است که پذیرش آن در یک کشور چیزی نیست که به انتخاب یک کارشناس (یا گروهی از کارشناسان درون دولت‌ها) سپرده شود، بلکه تصمیمی بزرگ با پیامدهای جدی و دراز مدت است. لذا می‌طلبد که اینگونه سیاستگذاری‌ها با اتکا بر خرد جمعی و گفتمانی عمومی اتخاذ گردد. برای شرکت در این گفتمان، داشتن مدارک عالی تحصیلی در رشته اقتصاد الزامی نیست. اما داشتن اطلاعات درست در مورد تجربه دیگر کشورها و سیاست‌هایی که به این تجارب انجامیده است نقطه شروع خوبی برای آغاز چنین گفتمانی در میان جمیع اقشار مردم، نمایندگان ایشان، اعضای جامعه نخبگانی و مسئولین است. مقاله زیر، تلاشی برای فراهم کردن متنی روشن و قابل دسترس (به لحاظ عاری بودن از واژه‌های تخصصی) برای همه علاقمندان شرکت در این گفتمان در کشور ماست.

www.eabbassi.ir

در بسیاری از موارد، سیاست‌ها بدین لحاظ انتخاب می‌شوند که اقتصاددانان و سیاستگذاران قبول کرده‌اند که چاره و راهکار دیگری غیر از آنچه نهادهای بین‌المللی صاحب‌نظر در حوزه اقتصاد و توسعه چون «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» توصیه می‌کنند وجود ندارد.⁴ بی‌شک، حامیان غربی تجارت جهانی می‌خواهند که این برداشت بسیار محدود از گزینه‌های موجود، در میان دولتمردان کشورهای جهان سوم قوت گیرد. نویسنده‌ای که در بالا از او نقل قول شد، در همان جا می‌افزاید:

«برای من کت بند طلایی، استعاره‌ای است برای اشاره به مجموعه قوانین و مقررات اقتصادی سیستم جهانی سازی. آنچه این استعاره را برای این مجموعه، مناسب و معتبر می‌سازد این است که کشوری که به تجارت

در عرصه عمل، همانطور که در ترجمه زیر تشریح شده است، آسیب‌های ناشی از محدودیت‌های فاحش پیوستن به تجارت جهانی متعلق به دولت و مردم کشورهای ضعیف و سودآوری طلایی آن از آن صاحبان صنایع بزرگ و مدیران شرکت‌های جهانی است.

³ Friedman 2002, 13.

⁴ در جای دیگر، به طور مفصل در مورد دلیل گرایش سیاستگذاران و نخبگان علمی در کشورها به توصیه‌های شبکه‌های دانش بنیان جهانی و سازمان‌های بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و بانک جهانی نکاتی ارائه شد. بنگرید به: «شبکه‌های دانش بنیان و خصوصی‌سازی سیاستگذاری» در عباسی ۱۳۹۶، ۶۰-۵۴.

جهانی می‌پیوندد به اجبار این کت بند را به تن می‌کند. طراح و خیاط اصلی این کت بند، «مارگارت تاجر»^۵ و پُرو کننده و دوزندهٔ دگمه‌های آن «رونالد رگان»^۶ است. و [چه بخوایم و چه نخواهیم] این لباس در حال حاضر تنها تنپوشی است که در این عصر از تاریخ بشر برای سیاستگذاران در کشورهای مختلف جهان مهیاست.^۷

خوشبختانه تا کنون، موارد پرشماری از نقش آفرینی مبتکرانهٔ مردم در مدیریت امور اقتصادی جوامع گزارش شده است. تاثیر و موفقیت این تلاش‌های مردمی در حل مسایل، سیاستگذاران در این کشورها را تشویق به اتخاذ سیاست‌های مساعد کرده است. به برکت این نمونه‌های سیاستگذاری از پایین به بالا، تعداد رو به رشدی از مردم و مسئولین دریافته‌اند که برای حرکت رو به جلو در جامعه نیازی به پوشیدن کت بند طلایی

⁵ Margaret Thatcher 1979-1990 نخست وزیر انگلستان

⁶ Ronald Reagan 1981-1989 رییس جمهور ایالات متحده

⁷ همان.

نویسندهٔ این سطور، توماس فریدمن، از معروف‌ترین مبلغین جهانی سازی است. او مولف کتابی با عنوان «لکسوس و درخت زیتون» است که پیام اصلی آن اجتناب ناپذیر بودن پوشیدن کت بند طلایی برای دولتمردان جهان است. مؤلف کتاب برای توجیه نظرات اقتصادی خود، مقایسهٔ اقتصاد به اصطلاح پیشرفتهٔ ژاپن (کشور سازندهٔ اتومبیل‌های لکسوس، که به گواهی نویسنده، تقریباً تماماً توسط روبات‌های تمام اتوماتیک ساخته می‌شود) از یک سو و اقتصاد فلسطینیان و درختان زیتون (به نقل از او) «کج و معوج» آنها از سوی دیگر را محور استدلال‌های خود قرار داده است. زبان کتاب مؤدبانه است، اما ادب نویسنده به اندازه‌ای نیست که زبان تحقیر آمیز وی را نسبت به مسلمانان مستور سازد.

استفاده از زبان تحقیر از شگردهای قدیمی استعمار برای وادار کردن مردم در جوامع کهن به پذیرش رفتارهای سازگار با اهداف استعمارگران است و به این نویسنده منحصر نیست. و همینکه مردم و مسئولین در تمدن‌های کهن جهان، عنوان «کشور در حال توسعه» را برای خود پذیرفته‌اند، گواهی آشکار بر تاثیر بالای این راهکار است. در جایی دیگر، در مورد مبانی نظری این رویکرد استعمارگران در تعامل با جوامع کهن مباحث مفصلی آمده است و نیازی به تکرار آن در اینجا نیست. («تئوری شیزموجنیس» در عباسی ۱۳۹۵، ۱۹). اما همین اندازه گفته بس که بر اساس تئوری شیزموجنیس («تفرقه افکنی»)، استفاده از زبان تحقیر در تعامل بین دو فرهنگ، اسباب نفوذ «فرهنگ برتر» (منظور فرهنگ غرب) را فراهم می‌سازد. زبان تحقیر معمولاً در جامعه مخاطب به ظهور گروهی از مردم می‌انجامد که می‌خواهند هر چه بیشتر از فرهنگ بومی فاصله بگیرند و مثل جامعهٔ تحقیر کننده عمل کنند. هر چه فرهنگ بومی بیشتر تحقیر شود، اعضای این گروه میل بیشتری به تقلید از فرهنگ تحقیر کننده پیدا می‌کنند. و نهایتاً این باز خورد تشدید شونده، به اضمحلال

فرهنگ بومی و چیرگی «فرهنگ برتر» در جامعهٔ مخاطب می‌انجامد. (Bateson 1972, 61-72)

قیاس بین اتومبیل لکسوس و درختان زیتون، مصداقی تمام عیار از کاربرد شیزموجنیس است. اما آیا جوامع کهن مجبور اند که خود را محکوم به انتخاب بین «فناوری‌های جدید» و «فناوری‌های کهن» ببینند؟ مردم در جوامعی که نسبت به زبان تحقیر مصونیت یافته‌اند، نه تنها قدر فناوری‌های کهن را برای حفاظت از استقلال اقتصادی خود می‌دانند بلکه از هر فناوری عصر جدید که سازگار با اصول و ارزش‌های تمدنی خود باشد استقبال می‌کنند. برای آشنایی بیشتر با رویکردی تمدنی به امر توسعه که نسبت به زبان تحقیر سخنگویان استعمار مصونیت یافته است و خود مبتکر فناوری‌های جدید هم هست، بنگرید به: «تحصیل کامل برای توسعهٔ حکمت بنیان» در عباسی ۱۳۹۶، ۱۲۳-۱۰۳.

بریده و دوخته توسط کشورهای استعمارگر نیست. در بخش ۲ این مجموعه مقالات، به معرفی و توصیف گلچینی از این اقدامات می پردازیم. در همانجا توصیف شده است که چرا این رویکرد ابتکاری و آزادمنشانه برای ملت ها و دولت ها، عزتمندانه، یا به عبارت دیگر، توانمندساز و قوام بخش، است و اینکه چرا چنین رویکردی، مانند سیاستگذاری های توسعه امروز دولت ها، تقلیدی نیست و لذا اصیل و تمدن ساز است.

همزمان با افزایش نفوذ جهانی سازی در سیاستگذاری کشورها و همگام با ظهور سیستم های مردمی و مکمل برای مقاومت در برابر آسیب های ناشی از این نفوذ، سازمان های تحقیقاتی مستقلی برای پژوهش سیاستگذاری ها در کشورهای مختلف به وجود آمده است. این سازمان های مردمی از طریق مطالعه سیاست های موجود و پیامدهای ویرانگر آنها در عرصه عمل و نیز مطالعه نمونه های کارآمد از راهکارهای جایگزین و تاثیر مطلوب آنها، به سیاستگذاران کشور خود در مورد افق های جدید در این حوزه، اطلاع رسانی می کنند و از این راه، ایشان را به نواندیشی، ابتکار عمل و بهره مندی بیشتر از برنامه ریزی از پایین به بالا تشویق می کنند.^۸

نوشته زیر برگرفته از کتاب «سیستم های جایگزین جهانی سازی»^۹ است که توسط جمعی از این فعالان مردمی عرصه پژوهش سیاستگذاری تدوین شده است. این جمع بین المللی که در سال ۱۹۹۴، سازمانی با نام «نظرآزمایی بین المللی در باره جهانی سازی»^{۱۰} تشکیل دادند با تدوین و نشر کتب و دیگر محصولات فرهنگی، به افکار عمومی، جامعه نخبگانی و مجامع سیاستگذاری کشورها در مورد پدیده جهانی سازی و تبعات آن اطلاع رسانی می کنند. به واسطه تغییرات عظیم ساختاری ای که در سراسر دنیا به وجود آورده است، پدیده جهانی سازی، بعد از انقلاب صنعتی، بزرگترین تحول اقتصادی ۵ سده گذشته تاریخ بشر محسوب می شود؛ بدون اغراق، جمیع اقشار مردم در تمامی کشورهای جهان، تحت الشعاع این تحول فراگیر قرار گرفته اند. از این رو تاسیس تشکلات علمی- پژوهشی مردمی، از نیازهای جدی عصر ماست تا گفتمان های مرتبط با سیاستگذاری در جوامع، نه فقط دیدگاه نخبگانی و دولتی، بلکه تجارب زندگی کلیه اقشار جامعه را در بر گیرد. کتاب مذکور، خواننده را از مباحث نظری حاکم در رشته اقتصاد فراتر می برد و به ارائه تجارب مردم عادی و تاثیر جهانی سازی بر محیط زیست، طبیعت و فرهنگ در اقصی نقاط جهان می پردازد تا تصمیم گیری سیاستگذاران جهان از عبرت تجربه مردم در سطوح مختلف جامعه جهانی، بهره مند گردد.

^۸ از این جمله می توان به سازمان های زیر اشاره کرد:

- Institute for Policy Studies, **United States** <http://www.ips-dc.org>
- Institute for Food and Development Policy (Food First), **United States** <http://www.foodfirst.org>
- Indigenous Peoples' International Center for Policy Research and Education Network/Tebeba, **The Philippines** <http://www.tebeba.org>
- Navdanya, **India** <http://www.navdanya.org>
- Third World Network, **Malaysia** <http://www.twinside.org.sg>
- Via Campesina, Honduras <http://www.viacampesina.org>
- Wuppertal Institute for Climate, Environment, and Energy, **Germany** <http://www.wupperinst.org>

^۹ John Cavanagh and Jerry Mander, eds. 2004. *Alternatives to Globalization: A Better World Is Possible*. San Francisco: Berrett-Koehler Publishers.

^{۱۰} The International Forum on Globalization <http://ifg.org/>

کلیه پانوشت ها و منابع پایانی متن، از مترجم است. این توضیحات و منابع، برای روشن تر شدن ترجمه و همچنین تبیین ارتباط بین موضوعات مطرح شده با واقعیت های اقتصادی و سیاستگذاری های جاری در کشورمان ایران، اضافه شده است.

سیستم های مردمی و مکملی که در این کتاب معرفی شده، از درون خسارات ناشی از پدیده جهانی سازی سرمایه بر خاسته است. جهانی سازی فرآیندی است که به تدریج به دست «شرکت های سهامی با مسئولیت محدود»^{۱۱} در ه سده گذشته بر جهانیان تحمیل شده است.^{۱۲} در این مدت، فرآیند جهانی سازی از سه مرحله عبور کرده است: ابتدا استعمار^{۱۳}، سپس استکبار^{۱۴} و در عصر حاضر، مرحله ای که «توسعه مبتنی بر صادرات»^{۱۵} نام گرفته است. از جنگ جهانی دوم به این سو، موتور محرکه این تحول در اقتصاد جهانی را چند صد شرکت جهانی و بانک های بزرگ تشکیل داده اند که به طور فزاینده ای، شبکه ای از تولید، مصرف، تامین مالی^{۱۶} و تبلیغ فرهنگ مصرف گرایی، را در سراسر دنیا مستقر ساخته اند. در واقع، بسیاری از چیزهایی که ما می خوریم، می نوشیم، می پوشیم و محصولات می که از آنها برای حمل و نقل، سرگرمی و گذران اوقات فراغت از آنها بهره می بریم، کالاهای تجاری ساخت همین شرکت هایند.

www.eabbassi.ir

¹¹ corporations

¹² خاستگاه این نوع از شرکت ها، نقش تاریخی آنان در پیشبرد اهداف استعمار و نیز نمونه هایی از چگونگی مقاومت مردم در برابر زیاده خواهی های آنها در دیگر جوامع، در جایی دیگر تشریح شده است. (عباسی ۱۳۹۴) اما در اینجا همین گفته بس که این ساختار تجاری که استفاده از آن برای ایجاد و اداره بنگاه های تولیدی و خدماتی در جهان عمومیت یافته است، به این سازمان ها، شخصیت حقوقی می دهد. شخصیت حقوقی شرکت های سهامی با مسئولیت محدود، مسئولیت مالی سهامداران را، در صورت وارد آمدن خسارت به غیر، فقط به میزان سرمایه گذاری آنان محدود می سازد. این محدودیت مسئولیت سهامداران، انگیزه بالایی برای سرمایه گذاران کوچک و بزرگ به وجود می آورد، چرا که ایشان بدون دغدغه (و احساس مسئولیت) در مورد اشتباهات مدیریت بنگاه ها، فقط به سودی که برای سهام خود دریافت می کنند می اندیشند. فعالیت برخی از این شرکت ها به مرزهای یک کشور محدود نمی شود، بلکه قلمرو چندین کشور را در بر می گیرد. لذا نمونه های بزرگ تر این بنگاه ها را «شرکت های جهانی»، «شرکت های چندملیتی» یا «شرکت های فراملیتی» نیز می نامند.

¹³ colonialism

¹⁴ imperialism

¹⁵ post-colonial export-led development

¹⁶ finance

این شرکت های جهانی برای پیشبرد اهداف خود، از حمایت چند سازمان بوروکراتیک بین المللی قدرتمند برخوردار بوده اند که در نیم قرن اخیر ظهور یافته اند. فعالیت های این شرکت ها همراه با حمایت این سازمان ها، به تجمیع قدرت اقتصادی و سیاسی عظیمی در دست این مجموعه انجامیده است. این جمع از قدرتمندان جهان، به هیچ دولت یا ملتی پاسخگو نیستند. عملکرد این قدرت جهانی، با ارزش های بنیادینی چون مردم سالاری، عدالت اجتماعی و پایداری زیست محیطی کاملاً در تعارض است.

طرفداران سلطه این شرکت ها بر اقتصاد جهانی می خواهند اینچنین وانمود کنند که این پدیده، فرآیندی تاریخی و اجتناب ناپذیر است. ایشان ظهور آن را نتیجه منطقی عوامل گوناگونی در حوزه اقتصاد و فناوری بر می شمارند که طی قرون متمادی به تدریج شکل گرفته است. ایشان از این عوامل چنان سخن می گویند که انگار پدیدار شدن آنها چونان عوامل طبیعی، غیر قابل کنترل بوده است. اگر کسی با این نظر مخالفت کند، از منظر این افراد، ایده آلیستی اندیشیده و خیالبافی کرده است. قاعدتاً، پذیرش جهانی سازی به عنوان سرنوشتی اجتناب ناپذیر برای جامعه بشری، به این معنی است که مقاومت، کاری بیهوده است. اما همانطور که تظاهرات معترضین در بسیاری از شهرهای جهان مثل سیاتل^{۱۷}، کبک^{۱۸}، پورتو آلگری^{۱۹} و کانکون^{۲۰} و نیز در ژنو و چندی دیگر از پایتخت های اروپایی، در هند، مکزیک، برزیل، فیلیپین، نیوزیلند، آرژانتین، انگلستان و دیگر کشورها، گواهی است روشن بر این که حداقل صدها هزار نفر از جهانیان، مقاومت را انتخاب کرده اند و بر این باور اند که جهانی سازی فرآیندی اجتناب ناپذیر برای تکامل جامعه بشری نبوده و نیست.

شکی نیست که در ادوار گذشته تاریخ بشر نیز چیزی به نام تجارت آزاد بین کشورهای جهان، به اشکال مختلف، وجود داشته است. اما آنچه در عصر ما تجارت جهانی نام گرفته است را نمی توان ویرایشی تکامل یافته از اشکال قبلی آن دانست چون با انواع تاریخی ماقبل خود تفاوتی بنیادین دارد. ساختار کنونی تجارت جهانی توسط تعداد قلیلی از انسان ها و با هدفی خاص طراحی و اجرا شده است. این هدف، اولویت بخشیدن به ارزش های اقتصادی مورد نظر شرکت های جهانی و ترویج و استقرار این ارزش ها در سراسر جهان، حتی به قیمت

¹⁷ Seattle, Washington State, Unites States

¹⁸ Quebec City, Canada

¹⁹ Porto Alegre, Brazil

²⁰ Cancun, Mexico

پایمال کردن تمامی دیگر ارزش های جامعه بشری، بوده است. در واقع، جهانی سازی مدرن دارای مکان و زمان تولد مشخصی است؛ مکان تولد آن «برتون وودز»^{۲۱} در ایالت نیوهمپشایر [در ایالات متحده] و زمان تولد آن جولای سال ۱۹۴۴ است.

در این مکان و زمان بود که جمعی از شخصیت های برجسته از مدیران شرکت های بزرگ، اقتصاددانان، سیاستمداران و بانکداران گرد هم آمدند تا با هم طرحی بریزند که خرابی های جنگ جهانی دوم را جبران و از احتمال رخداد رکود بزرگ دیگری که در دهه ۱۹۳۰ میلادی، جهان را به سوی مناقشه و جنگ سوق داده بود بکاهند. ایشان در این همایش توافق کردند که سیستمی جدید و متمرکز برای تشویق توسعه جهانی اقتصاد لازم است. آنها تاکید کردند که این سیستم قادر خواهد بود که نه تنها از جنگ های آینده جلوگیری کند، بلکه از فقر بکاهد و جهان جنگ زده آن روز را از نو بسازد.

شرکت کنندگان در کنفرانس برتون وودز، به رغم منافع عظیمی که از طریق اجرایی کردن توافقات این گردهمایی به دست می آوردند، خود را افرادی از خود گذشته و فداکار تصور می کردند. ایشان جملگی بر این باور بودند که نهاد «شرکت سهامی با مسئولیت محدود»، تنها ساختار بازرگانی است که قادر است انگیزه لازم برای اجرای این ماموریت جهانی را فراهم سازد و با حمایت سازمان های جدید و مقررات نوین با هدف استقرار تجارت آزاد جهانی [بدون تنش هایی که در جهان پیش از جنگ جهانی دوم وجود داشت]، کار را به پیش براند. سازمان های جدیدی که در این گردهمایی تشکیل شد شامل بانک جهانی^{۲۲} (در ابتدا، «بانک بین المللی برای بازسازی و توسعه»^{۲۳}) و صندوق بین المللی پول^{۲۴} بود. کمی بعد، «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» (به اختصار، «گت»)^{۲۵} که در نهایت «سازمان تجارت جهانی»^{۲۶} نام

²¹ Bretton Woods, New Hampshire, United States

²² World Bank

²³ International Bank for Reconstruction and Development / IBRD

²⁴ International Monetary Fund

²⁵ General Agreement on Tariffs and Trade / GATT

²⁶ World Trade Organization

سازمان تجارت جهانی هم اکنون دارای ۱۶۴ عضو است. آسیب هایی که در مورد آن در این ترجمه می خوانید، شرح پیامدهای نامطلوبی است که این اعضا پس از عضویت در این سازمان استعماری، بر جامعه خود و بر کره زمین تحمیل کرده اند. به دلایلی که برای این قلم روشن نیست، ایران انقلابی و اسلامی نیز برای پیوستن به این سازمان، از سال ۱۹۹۵ تشکیل پرونده داده است. اما به برکت استکبار ستیزی نظام جمهوری اسلامی، تا به امروز کشور ما به این سازمان استعماری پذیرفته نشده و لذا تا حد زیادی از آسیب های آن مصون مانده است. ایران هم اکنون عضو ناظر محسوب می

گرفت نیز به این سازمان های حمایتی افزوده شد. این سه سازمان بین المللی به نام «نهادهای برتون وودز» شناخته می شوند. پیمان های بین المللی متعددی نیز طی دهه های بعد، مثل «پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (به اختصار، «نفتا»)^{۲۷}، «پیمان ماستریخت اتحادیه اروپایی»^{۲۸} و سندی پیشنهادی موسوم به «تجارت آزاد کشورهای آمریکایی» (به اختصار، «اف تی ای ای»)^{۲۹} منعقد شده است. با عملکرد هماهنگ این مجموعه با هم، دست شرکت های جهانی برای جهانی سازی اقتصاد و اعمال نفوذ در اقتصاد ملی کشورها گشوده شده است.

خلاصه اینکه اجرای این پیمان های بین المللی در باب تجارت، در کنار اعمال فشار از سوی نهادهای برتون وودز، عظیم ترین تغییرات در سیستم های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جهان، از انقلاب صنعتی به این سو، را در پی داشته است. کاملاً آشکار است که نهادهای برتون وودز در حال مهندسی نوعی جابجایی قدرت در مقیاسی شگفت آور بوده اند که عملاً قدرت اقتصادی و سیاسی جهان را از دولت های ملی و مدیریت محلی گرفته و در دست شرکت های جهانی، بانک های بزرگ و نهادهای برتون وودز متمرکز ساخته است. بازندگان این جابجایی قدرت، علاوه بر دولت ها که استقلال و حق حاکمیت خود را از دست داده اند، مردم در جوامع محلی بوده اند که از میان رفتن کنترل و مدیریت محلی منابع سرزمینی خود و نیز پامال شدن ارزش های بنیادینی چون مردم سالاری، تنوع فرهنگی، تنوع زیستی و تخریب طبیعت پیرامونی خود را نظاره گر بوده اند.

شود. چنانچه سیاستگذاری اقتصادی در کشور ما به مطالباتی که این سازمان از اعضای خود دارد نزدیک تر شود، خطر کشیده شدن ایران به دام این سازمان افزایش می یابد. این سیاست ها شامل افزایش صادرات، اخذ وام های بین المللی، مقررات زدایی برای جلب سرمایه گذاری خارجی مستقیم در بخش تولید یا سرمایه گذاری در بازار ارز و سهام، خصوصی سازی خدمات عمومی (مثل مخابرات)، اعطای معافیت های مالیاتی به سرمایه گذاران خارجی و گشودن مرزها به روی واردات، با تعرفه های نازل یا بدون تعرفه، است. اعمال این سیاست ها به سازمان تجارت جهانی اطمینان می دهد که کشور متقاضی عضویت، از سیاست های حامی اقتصاد مقاومتی، یعنی سیاست هایی که در راستای خوداتکایی و خودکفایی کشور عمل می کند منصرف شده است و مصمم است که برای تامین نیازهای داخلی خود متکی به تجارت جهانی باشد.

در صورت پیوستن به این سازمان، ایران، علاوه بر تحریم ها که سال هاست برای فشار بر او از سوی قدرت های بزرگ اعمال شده است، خود را در معرض مقررات اسارت بار این سازمان بوروکراتیک و غیر دموکراتیک جهانی قرار خواهد داد. بر اساس شواهد عرضه شده در مقاله حاضر، اغراق نیست اگر بگوییم که عضویت در این سازمان مترادف با از دست دادن استقلال کشور و تضعیف شدید حاکمیت نظام و دولت جمهوری اسلامی ایران است.

²⁷ The North American Free Trade Agreement / NAFTA

²⁸ The European Union Maastricht Agreement

²⁹ Free Trade Area of the Americas / FTAA

اجزای کلیدی مدل جهانی سازی

مدل جهانی سازی اقتصادی که به آن «نئولیبرالیسم»³⁰ نیز می‌گویند، دارای چند ویژگی کلیدی زیر است:

- تشویق رشد سریع و بالا³¹ در اقتصاد کشورها و بهره‌کشی بی حد از منابع طبیعی و کانی و گشودن بازارهای جدید به منظور دستیابی به این شدت از رشد،
- خصوصی سازی و کالایی کردن³² خدمات عمومی و آنچه از دارایی های مشترک³³ جهانی و محلی که هنوز باقی مانده است،
- یکسان سازی فرهنگ و اقتصاد³⁴ کشورها و ترویج فرهنگ مصرف گرایی،

³⁰ Neoliberalism

در متون مرتبط با توسعه اقتصادی به زبان انگلیسی، به همین مفهوم با واژه‌ها و عبارات زیر نیز اشاره می‌کنند:

globalization, free trade, corporate globalization, Washington Consensus

³¹ hypergrowth

³² privatization and commodification

³³ The Commons

منظور از «دارایی های مشترک» آن دسته از ذخایر سرزمینی خداداد یک کشور است که در گذشته به دست مردم محلی و در چارچوب نظام های بهره برداری مشارکتی، مورد حفاظت و بهره برداری جمعی قرار می گرفت. این دارایی ها منابعی چون آب، مرتع، جنگل، اراضی زراعی، منابع ماهی گیری و نظایر اینها را در بر می گرفت. در چند سده اخیر، بهره برداری از بسیاری از این دارایی های خداداد در کشورهای صنعتی، مثل انگلستان با «خصوصی سازی»، طی فرآیندی حقوقی که در تاریخ آن کشور «حصارکشی» نام گرفته است، از دسترس مردم محلی خارج و به غیر سپرده شده است. جداسازی مردم از دارایی های مشترک محلی در غالب کشورهای جهان سوم، در نیمه دوم قرن بیستم، تحت عنوان «ملی کردن»، این منابع، در اختیار برنامه ریزی متمرکز کشورها قرار گرفت. این گسست پیوند بین مردم و دارایی های خداداد سرزمینی آنها، موجب تحولی ویرانگر در جوامع شده است که پیامدهای نامطلوب آن تا کنون شامل بیکاری مزمن و گسترده، مهاجرت (از روستا به شهر و از شهرهای بزرگ به خارج از کشور)، فرسایش و نابودی منابع طبیعی و کانی، بی هویتی اجتماعی و فرهنگی، عدم تعلق عاطفی سرزمینی، و متوقف شدن فرآیند تمدن سازی در جوامع کهن بوده است.

شناخت علمی آسیب های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جدایی مردم از دارایی های سرزمینی خود و همچنین ظهور دارایی های مشترک جدید در حوزه هایی چون هنر، نرم افزار، معلومات عمومی و محیط های شهری، آغازگر اقدامات عالمانه ای در جهان در راستای «احیای پیوندهای» قدیمی و «پیوند شناسی» در حوزه های جدید در راستای پیشبرد اهداف نهضت مقاومت اقتصادی در برابر جهانی سازی شده است. برای مطالعه بیشتر در این مورد، نگاه کنید به بخش ۲ همین مجموعه مقالات.

³⁴ Global cultural and economic homogenization

- یکپارچه سازی و تغییر اقتصاد کشورها^{۳۵} به قیمت از میان بردن خوداتکایی ملی آنها و تبدیل این جوامع به تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و کالاهای صنعتی برای صادرات،
- مقررات زدایی^{۳۶} از کشورها برای تسهیل ورود شرکت ها و سرمایه های خارجی،
- منحل شدن بسیاری از برنامه های اجتماعی و زیست محیطی و بهداشت عمومی کشورها
- تجمیع هر چه بیشتر سرمایه^{۳۷} و نفوذ اقتصادی و سیاسی در دست سرمایه داران بزرگ از طریق ادغام شرکت های بزرگ با هم.
- از میان بردن ساز و کارهای ملی و محلی برای تصمیم گیری مردم سالارانه در کشورها و جایگزین ساختن آنها با سازمان های بوروکراتیک مرتبط با شرکت های جهانی

در ادامه به شرح برخی از این ویژگی ها می پردازیم:

• رشد سریع و بالا

نخستین اصل طرح جهانی سازی، پافشاری بر رشد سریع و بالا به صورت دائمی است. این رشد در شرکت ها [و اقتصادهایی که در آنها فعالیت می کنند] با کاوش مستمر برای منابع [کافی و طبیعی] جدید، نیروی انسانی با دستمزد نازل و بازارهای نو همراه است. اگر این روزها در مورد کشور چین با هیجان زیاد سخن گفته می شود، به این دلیل است که در این کشور، این سه فرصت، با هم و یکجا، تقدیم جهانی سازی شده است.

برای کسب اطمینان از دستیابی به رشد سریع و بالا، مبلغین جهانی سازی بر قلب ایدئولوژیک این طرح، که همان تجارت آزاد از طریق زدودن مقررات مزاحم کشورهاست، تاکید دارند. هدف جهانی سازی، برداشتن هرگونه مانعی است که احتمالاً ورود شرکت های بزرگ به عرصه های مختلف اقتصادی کشورها را کند می کند. آنچه این شرکت ها مانع تلقی می کنند در واقع قوانین مرتبط با حفاظت از محیط زیست، حقوق کارگران، فرصت های شغلی داخلی، سلامت محیط و بهداشت جامعه، ایمنی غذا، کنترل سرمایه گذاری های خارجی در محدوده مرزهای ملی و حفاظت از فرهنگ بومی است. این قوانین و مقررات به اصطلاح «مزاحم»، غالباً در چارچوب پیمان هایی که برخی از آنها در بالا ذکر شد، توسط این شرکت ها به چالش کشیده و ملغی می گردند. لذا در تعبیری یک سویه، مقررات زدایی در «تجارت آزاد»، به

³⁵ integration and conversion of national economies for export

³⁶ deregulation

³⁷ corporate concentration

آزادی بی قید و شرط شرکت های جهانی انجامیده ولی همزمان، دست دولت های مرکزی و جوامع محلی را در حفاظت از منافع خود بسته است. و از این رو است که در عصر جهانی سازی می بینیم حفاظت از مشاغل، هویت فرهنگی، سنن اجتماعی و نیز حاکمیت دولت ها بر جامعه و طبیعت سرزمین خود بسیار مشکل تر شده است. (جزئیات بیشتر، حاشیه «قوانین محافظت از منافع عمومی ملت ها، مانعی بر سر راه تجارت آزاد»، کمی پایین تر)

مبلغین جهانی سازی مدعی اند که فقرا بیشترین منفعت را از رشد سریع و بالا نصیب خود می کنند چرا که وقتی ثروت در میان اقشار بالاتر جامعه فزونی یابد، مقداری از آن به طبقات پایین تر سرریز می شود. اما همانطور که کمی بعد توضیح خواهیم داد، در عمل، دقیقاً عکس این مدعا اتفاق افتاده است؛ آشکار شده است که ثروت حاصله از رشد اقتصادی همیشه سربالا می رود و هرگز به پایین سرازیر نمی شود.

قوانین محافظت از منافع عمومی ملت ها، مانعی بر سر راه تجارت آزاد

دبی بارکر و جری مندر^{۳۸}

از میان برداشتن قوانین و مقرراتی که از منافع عمومی مردم محافظت می کند از اهداف اصلی نهادهای برتون وودز است چرا که این مقررات، دستیابی شرکت های جهانی به بازارهای داخلی، منابع انسانی و منابع سرزمینی کشورها را محدود می سازد.

هیئت های داور^{۳۹} سازمان تجارت جهانی رکورد چشمگیری در به چالش کشیدن استانداردها و قوانین دولت ها به ویژه مقررات حفاظت از محیط زیست دارد. اولین حکم داور^{۴۰} این سازمان بر علیه قانونی به نام «قانون هوای پاک»^{۴۱} در ایالات متحده صادر شد. از منظر پیمان های تجاری سازمان تجارت جهانی، این قانون پیشگیری از آلودگی هوا، بیش از حد سختگیرانه محسوب می شد و می بایستی از محدودیت های آن کاسته می گردید. دیگر داور^{۴۲} های جنبالی این سازمان، قوانین دیگری از همین نوع را آماج حملات خود قرار داده است:

- قانونی در ایالات متحده که دارای مصوبه ای برای حفاظت از دلفین ها در برابر صنعت صید ماهی^{۴۱} تَن بود.
- قانونی در ایالات متحده که برای حفاظت از لاک پشت های دریایی وضع شده بود.^{۴۲}
- قانونی در اتحادیه اروپایی برای منع واردات گوشت گاو از ایالات متحده که با تزریق هورمون های رشد پرورش یافته بود.

³⁸ Debi Barker and Jerry Mander. 1999. *Invisible Government*. San Francisco: International Forum on Globalization.

³⁹ tribunals

⁴⁰ The U.S. Clean Air Act

⁴¹ The U.S. Marine Mammal Protection Act

⁴² U.S. Endangered Species Act

اگر چه فقط دولت‌ها حق تشکیل پرونده برای داوری در سازمان تجارت جهانی دارند، اما تقریباً در تمامی موارد مرکز اصلی این شکایات، شرکت‌های جهانی بوده‌اند. یکی از دل‌سردکننده‌ترین موارد در میان این شکایات، پرونده دولت ایالات متحده به نیابت از شرکت جهانی «پیکیتا» بر علیه اتحادیه اروپایی به منظور مجبور کردن اتحادیه به خرید موز از پیکیتا و نه از کشورهای دیگری بود که سابقاً از مستعمرات کشورهای اروپایی محسوب می‌شدند.

پیامدهای نامطلوب دفالت‌های سازمان تجارت جهانی در وضع و اعمال قوانین و مقررات ملی را عمدتاً، مردم کشورها متحمل می‌شوند. مثلاً یکی از قوانین بهداشت عمومی در کشور گواتمالا، شرکت‌های تولیدکننده شیر خشک نوزادان، به ویژه شرکت «چریب»، را ملزم به رعایت صداقت در تبلیغات می‌کرد. بر اساس این قانون، شرکت‌ها از اینکه محصولات صنعتی خود را برتر از شیر مادر توصیف کنند منع شده بودند. دولت گواتمالا وادار شد که این قانون را ملغی کند. در کانادا، قانونی که واردات کالایی شیمیایی به نام «ام ام تی»^{۴۳} را ممنوع می‌کرد ملغی گردید. این محصول نوعی افزودنی به سوخت خودرو است که برای سیستم عصبی بدن مضر شناخته شده است. هر دو قانون در پاسخ به تهدید به شکایت در چارچوب پیمان‌های تجارت جهانی حذف شدند. در مورد شیر خشک اطفال، دولت آمریکا تهدید به شکایت کرد. در مورد ام ام تی، شرکتی به نام «اتیل»^{۴۴} تهدید کرد که کانادا را در چارچوب پیمان نفتا به دادگاهی بین‌المللی فرا خواهد خواند.

در یکی از بندهای پیمان نفتا به شرکت‌های بزرگ اجازه داده شده است که از دولت‌ها، نه در دادگاه‌های داخلی، بلکه در مجامع قضایی بین‌المللی شکایت کنند. این مجوز احتمالاً در پیمان «اف تی ای ای»^{۴۵} نیز گنجانده شده و حتی بسط خواهد یافت. در تهدید خود شرکت ایتیل، کانادا را به «مصادره»^{۴۶} غیرقانونی متهم کرده بود. این توجیه که قانون سلامت محیط زیست کانادا از سودآوری آینده شرکت به نحو قابل توجهی کاسته است و لذا تأثیر این قانون عین مصادره اموال شرکت است. شکایت مشابهی بر علیه دولت آمریکا بر سر افزودنی دیگری به نام «ام تی بی ای»^{۴۷} که استفاده از آن توسط قانون ایالتی کالیفرنیا ممنوع شده بود اقامه گردیده است.

نتیجه این تهدیدها و شکایات در مجامع قضایی جهانی، کاهش تأثیر و حذف کامل استانداردهای موجود در ارتباط با حقوق جامعه کارگری، محیط زیست و بهداشت عمومی در بسیاری از کشورها بوده است. از این طریق، شرکت‌های جهانی با اهرم قرار دادن دولت‌های خود، این قوانین را در دیگر کشورها تضعیف یا حذف می‌کنند. ضمن اینکه با اعمال فشار مستقیم، استانداردهای مشابه را در داخل کشورهای خود نیز از سر راه بر می‌دارند.

طرفداران جهانی سازی دوست دارند که آن را «تجارت آزاد» بگویند. اما در واقع، اگر چه این مدل اقتصادی، آزادی شرکت‌های جهانی در ورود پیدا کردن به اقتصاد کشورها را در پی داشته است، آزادی‌ها و اختیارات دولت‌های مستقل در وضع قوانین و مقررات برای حفظ ارزش‌های داخلی خود را به شدت محدود ساخته است.

⁴³ MMT / Methylcyclopentadienyl manganese tricarbonyl

⁴⁴ Ethyl Corporation

⁴⁵ FTAA agreement

⁴⁶ expropriation

⁴⁷ MTBE / Methyl tert-butyl ether

• «خصوصی سازی» و «کالایی کردن»

دومین اصل جهانی سازی اقتصادی، خصوصی سازی و کالایی کردن کلیه جنبه های ریز و درشت زندگی انسان هاست. به منظور گسترش هر چه بیشتر امکان فعالیت های تجاری و سودجویی برای شرکت های جهانی، خصوصی سازی و کالایی کردن منابع و خدمات، الزامی است. در این ارتباط امروزه شاهدیم که آنچه ما پیشتر حتی تصور خصوصی سازی و کالایی کردن آنها را نمی کردیم، در حال انحصاری شدن برای بهره برداری تجاری است. مثلا ساختارهای ژنتیکی موجودات زنده، از جمله بدن انسان، امروزه از طریق فناوری زیستی در حال خصوصی سازی و کالایی شدن است.

قوانین سازمان تجارت جهانی مرتبط با حقوق مالکیت فکری، از این عملکرد شرکت های بزرگ حمایت می کند. به همین سیاق، بذره های بومی و اصیل جوامع زراعی جهان که طی هزاران سال به صورت محلی پرورش داده شده و به عنوان یکی از دارایی های مشترک، به رایگان بین کشاورزان محلی دست به دست می گردیده است، امروزه در معرض مالکیت انحصاری شرکت های بزرگ از طریق قوانین ثبت اختراعات قرار گرفته است.⁴⁸ اخیرا اعتراضات وسیع از سوی کشاورزان در هند و توسط بیماران مبتلا به ایدز در آفریقا و دیگر کشورها (به امید کاهش دادن قیمت گزاف داروهای به ثبت رسیده) بر علیه یکی از پیمان های سازمان تجارت جهانی موسوم به «تریپس» («پیمان حقوق مالکیت فکری مرتبط با تجارت»)⁴⁹ زوایای اسفبار و هولناک این انحصارگرایی زیاده خواهانه را روشن ساخته است.

امروزه همچنین فشارهای مشابهی در راستای خصوصی سازی منابع آب، مشخصا رودخانه ها، دریاچه ها و نهرها، دیده می شود. یعنی همان منبعی که همواره اساسی ترین نیاز جوامع را تامین می کرده و همیشه از جمله دارایی های مشترک و مواهب خدادادی هر سرزمین، برای مصرف مردم همان سرزمین، منظور می شده به یک کالای تجاری تبدیل شده است. دستیابی به اختیار منابع آب و دیگر دارایی های مشترک مردم در جوامع مختلف جهان هدف شرکت های جهانی قرار گرفته تا مواد خام مورد نیاز صنایع بزرگ در نقاط بیشتری از جهان، چه در عرصه

⁴⁸ برای مطالعه بیشتر و شناسایی منابع دیگر در این مورد، بنگرید به: عباسی ۱۳۹۰.

⁴⁹ Trade-Related Intellectual Property Rights / TRIPs

های جغرافیایی و چه در عرصه های زیستی [و ژنتیکی]، در دسترس بدون قید و شرط شرکت های بزرگ، به منظور تملک، سرمایه گذاری، توسعه و تجارت قرار گیرد.

اینکه روند خصوصی سازی به حوزه خدمات عمومی راه یافته است نیز بسیار نگران کننده است. شرکت های جهانی مدعی اند که در مقایسه با بخش خصوصی که از بهره وری، پویایی و مشتری مداری بالایی برخوردار است، سازمان های بوروکراتیک دولتی، عملکردی نامناسب و ناکافی دارند. لذا ارائه خدمات عمومی را نیز باید به شرکت های خصوصی سپرد. اما این ادعا اساساً مردود است چرا که انگیزه و مأموریت ذاتی شرکت های خصوصی با انگیزه و وظایف سازمان های دولتی کاملاً متفاوت است؛ این دو، از نظام های ارزشی متفاوتی پیروی می کنند. هم اکنون خصوصی سازی خدمات عمومی، بخش مهمی از «پیمان عمومی تجارت خدمات» (موسوم به «گتز»)^{۵۰} و پیمان دیگری موسوم به «اف تی ای ای»^{۵۱} که هر دو هم اکنون در سازمان تجارت جهانی در حال مذاکره اند را به خود اختصاص داده است.

مذاکرات مرتبط با گتز شامل تغییرات متعددی در خصوص خدماتی است که تا چندی پیش فقط برای ارائه از سوی دولت ها در نظر گرفته می شد، مثل رادیو و تلویزیون عمومی، آموزش همگانی، بهداشت و سلامت عمومی، تصفیه و توزیع آب، فاضلاب، بیمارستان ها، مدد رسانی به اقشار نیازمند، نیروی انتظامی، آتش نشانی، تامین اجتماعی، راه آهن و زندان ها. این خدمات [در کشورهای عضو تجارت جهانی] احتمالاً به زودی خصوصی و یا کالایی خواهد شد و از این رهگذر برای سرمایه گذاری و تسلط خارجی مهیا می گردد. طبعاً، با خصوصی و کالایی شدن، این خدمات [در مورد آبرسانی، آموزش و بهداشت]، فقط به افرادی تعلق می گیرد که قادرند قیمت تجاری آن را پردازند. با توجه با آنچه در پیمان ها قید شده است، کاملاً قابل پیش بینی است که شرکت های جهانی چون «بکتل»^{۵۲}، منابع آب در بسیاری از نقاط

⁵⁰ General Agreement on Trade in Services / GATS

⁵¹ FTAA

⁵² Bechtel

بکتل بزرگترین شرکت ساخت و ساز و مهندسی در ایالات متحده است که از پایان جنگ جهانی دوم به این سو، احداث تاسیساتی عظیم در اقصی نقاط جهان را بر عهده داشته است؛ از این جمله، تاسیسات جدید نیروگاه چرنوبیل در روسیه، تونل مانش (تونل حفر شده زیر کف دریا) بین انگلستان و فرانسه، متروی شهر آتن و بسیاری دیگر از پروژه های بزرگ عمرانی را می توان نام برد. تمامی شرکت های جهانی، دستی قوی در سیاست داخلی و خارجی کشورهای خود دارند. و بکتل یکی از مصادیق اتحاد بی مرز و درز بین شرکت های جهانی و سیاست در ایالات متحده است. پس از حمله آمریکا به کشور عراق در سال ۲۰۰۳، قرارداد بازسازی عراق با بکتل بسته شد، قراردادی به ارزش بیش از ۶۸۰

جهان را در اختیار بگیرد. یا مثلاً شرکت «مرک»^{۵۳}، نظام سلامت و درمان کشور بزرگی چون کانادا را از آن خود کند. اگر چه این احتمالات الان قدری بعید به نظر می رسد، اما تسلط شرکت های بزرگ بر خدمات عمومی کشورها، تهدیدی جدی و واقعی است.

از کالایی شدن پول و پیامدهای آن نیز نباید غافل شد. در واقع، غالب تراکنش های تجاری جهان در سیستم تجارت آزاد، مربوط به تبادل کالا و خدمات نیست، بلکه در قالب بده بستان های پولی است. پول در شکل کالایی آن، نوعی سرمایه گذاری قمار گونه^{۵۴} را در سیستم های پولی و بازار سهام کشورها میسر کرده است. فناوری اطلاعات، جابجایی مقادیر عظیمی از سرمایه های مالی (گاه بالغ بر میلیاردها دلار) از کشوری به کشور دیگر را در مدتی بسیار کوتاه (به کوتاهی چند لحظه) میسر ساخته است. با فشار چند دگمه رایانه و بدون رویارویی با هیچ نوع کنترل [از سوی دستگاه های نظارتی کشورهای دریافت کننده سرمایه] این تراکنش های عظیم به آزادی صورت می گیرند. این پدیده تا کنون کشورهای بسیاری را دچار بی ثباتی اقتصادی کرده است، کما اینکه بحران مالی سال های ۹۸-۱۹۹۷ در شرق آسیا را دقیقاً همین نوع سرمایه گذاری برون مرزی موجب شد.

www.eabbassi.ir

• یکسان سازی فرهنگی و اقتصادی

سومین اصل جهانی سازی، یکپارچه سازی و ادغام فرهنگی و اقتصادی کشورها در یک مدل واحد، بدون مرز و متمرکز توسعه است. یعنی کشورهای بسیار متفاوتی چون هند، سوئد،

میلیون دلار. برخی صاحب نظران معتقدند که با حضور شخصیت های سیاسی صاحب نفوذی چون «کسپر واینبرگر» (وزیر دفاع دولت رونالد رگان) و «جورج شولتز» (وزیر امور خارجه همان دولت) در هیئت مدیره شرکت بکتل، حمله به عراق در نتیجه تحریکات این شرکت در زمان زمامداری جورج بوش پسر صورت گرفت. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به:

Chatterjee 2003a

⁵³ از بزرگترین شرکت های داروسازی جهان Merck

⁵⁴ speculation

در اینگونه معاملات بورس، سرمایه گذاران داخلی و خارجی توجه خاصی به نوع سهام ندارند و قصد سرمایه گذاری بلند مدت در یک صنعت یا بنگاه را نیز ندارند. هدف این سرمایه گذاران، کسب سود بالا از نوسانات احتمالی قیمت سهام، به رغم ریسک بالای ضرر و زیان، است. به این رفتار خطر پذیر و سودجویانه در سرمایه گذاری اصطلاحاً «سفته بازی» یا «بورس بازی» هم می گویند. اینگونه سرمایه گذاری پرمخاطره به بازار بورس محدود نمی شود و در بازار املاک نیز متداول است، به صورتی که خرید املاک نه برای استفاده از آن برای مسکن، بلکه برای کسب سود از ترقی قیمت آنهاست. یکی از نتایج زیانبار این نوع سرمایه گذاری، ایجاد حباب در بازارهای نامبرده است. یعنی بدون دلیل موجه، قیمت املاک (برای خرید و اجاره) بالا می رود و از استطاعت مردمی که نیاز به مسکن دارند خارج می شود. آسیب دیگر وقتی رخ می دهد که حباب می ترکد و بازارها دچار سقوط و اقتصاد کشور دچار تلاطم می گردد.

تایلند، کنیا، بوتان، بولیوی، کانادا و روسیه، همراه با تقریباً ۲۰۰ کشور دیگر، با فرهنگ‌ها، اقتصادها و سنت‌های متنوع و پرشمار بناست که به مجموعه‌ای واحد با سلیقه‌ها، ارزش‌ها و سبک زندگی یکسان بدل شوند. کلیه نیازمندی‌های مردم در جمیع این کشورها قرار است توسط تعداد معدودی از شرکت‌های جهانی، مثل رستوران‌های فست فود، هتل‌های زنجیره‌ای، شرکت‌های تولید پوشاک زنجیره‌ای با کفش و شلوار و پیراهن مشابه تامین گردد. ملت‌ها و قومیت‌های مختلف در این کشورها قرار است از این محصولات یکسان و مشابه استفاده کنند و خود را با فیلم‌ها، موسیقی و برنامه‌های یکنواخت تلویزیونی که این شرکت‌ها همین حالا در کشورهای غربی تولید می‌کنند سرگرم کنند. ایشان قرار است جملگی در شهرهای شبیه به هم که با اعمال نفوذ شرکت‌های جهانی طراحی شده‌اند زندگی کنند و مواد غذایی خود را با بهره‌گیری از روش‌ها و نهاده‌های کشاورزی صنعتی که توسط این شرکت‌ها تولید و ترویج می‌شود پرورش دهند.

از منظر جهانی سازی، فرای همه این یکنواختی‌ها [ی فیزیکی] جهانیان، قرار است جملگی از یک مجموعه واحد از ارزش‌های شخصی، فرهنگی و معنوی نیز پیروی کنند. خلاصه اینکه، در آینده‌ای که مبلغین جهانی برای بشرانده‌شده‌اند از تنوع فرهنگی خبری نیست و یک فرهنگ جهانی واحد و یکنواخت حکمفرماست. این روند، پیشاپیش، بر هر گردشگر بصیر که امروزه به کشورهای مختلف سفر می‌کند مشهود است. هر جایی که به آن گام می‌گذاریم به صورت فزاینده‌ای مثل سایر جاهاست؛ تو گویی «تک فرهنگی» در جوامع همانند «تک محصولی» در کشاورزی، تصویر غالب جهان آینده مطلوب شرکت‌های جهانی است.

این یکنواختی فرهنگی به شدت متأثر از خواست شرکت‌های جهانی برای دستیابی به بهره‌وری حداکثری به هر قیمتی است. با تکمیل شدن این یکنواختی فرهنگی، این شرکت‌ها قادر به تولید و توزیع کالاها و خدمات، در مقیاس بسیار کلان تری خواهند بود. و هر چه عرصه فعالیت‌های آنان یکنواخت تر و همگون تر و بی‌مرز تر باشد، توانایی ایشان برای بهره‌گیری از مزیت مقیاس^{۵۵} بیشتر می‌شود. در سده‌های گذشته، چنانچه خط آهن در دو کشور همسایه

⁵⁵ economies of scale

با افزایش حجم تولید، هزینه تولید برای هر قطعه از کالای تولید شده کاسته می‌شود. به بیان دیگر، هر چه بر مقیاس تولید یک کالا در یک واحد صنعتی بیفزاییم، تولید آن کالا، صرفه اقتصادی بیشتری پیدا می‌کند. اقتصاددانان دلیل این صرفه جویی در هزینه‌ها را به عواملی چون امکان بکارگیری ماشین‌آلات و حذف نیروی انسانی، تخفیف بیشتر در

مطابق هم ساخته می شد، گسترش حمل و نقل ریلی بین دو کشور تسهیل می گردید. همچنین امروزه وقتی رایانه ها دارای استاندارد واحد اند، ارتباط شبکه ای رایانه ها بین کشورها، بدون محدودیت و مرز، به راحتی برقرار می شود. به همین سیاق، انگیزه بنیادین پیمان های تجارت جهانی و سیاست های سازمان های بوروکراتیک حامی این نظام، تدوین قوانین و مقرراتی است که به شرکت های بزرگ اطمینان می دهد که موانع حرکت و جابجایی مواد اولیه، کالاهای صنعتی، خدمات و سرمایه از مرز کشورها به حداقل خواهد رسید و از این رهگذر، یکپارچه سازی و یکنواخت سازی اقتصاد جهانی تسریع خواهد شد.

• تجارت و سرمایه گذاری مبتنی بر صادرات

جهانی سازی می طلبد که تمام اقتصادهای ملی در مسیر صادرات جهت دهی شوند. هر گونه مانع از سر راه سرمایه گذاری خارجی در کارهای تولیدی و استخراجی برای صادرات یا ورود پیدا کردن سرمایه های خارجی در بازارهای مالی کشورها و خرید و فروش سهام در بورس کشورها [و خروج بلامانع سود و اصل سرمایه گذاری ها] باید زدوده شود. این آزادی برای سرمایه داری جهانی، راه را برای «تولید محصولات برای فروش در دیگر کشورها» و نه مصرف داخلی مردم کشور تولیدکننده، و نیز توسعه مالکیت خارجی صنایع و معادن به جای مالکیت بومی این منابع و تاسیسات و نیز سود بردن از ثروت های بادآورده حاصل از نوسانات نرخ ارز و ارزش سهام در کشورها هموار می سازد. این فعالیت ها برای شرکت های جهانی و سرمایه گذاران بزرگ بورس به واسطه سودهای کلان حاصل از آنها، بسیار جذاب است، اما اقتصاد صادرات-محور در همه کشورها، مردم عادی را در شرایطی قرار می دهد که معیشت آنها وابسته به تصمیمات مالکین خارجی و غایبی است که ایشان هیچ کنترلی بر آنها ندارند.^{۵۶}

خریداری مواد اولیه و سرشکن شدن هزینه بازاریابی در بازارهای وسیع تر نسبت می دهند. البته، «مزیت مقیاس» فقط در تحلیل بسیار محدود رشته اقتصاد، منجر به کاهش هزینه ها می شود. یکی از آسیب های آشکار تولید انبوه در حوزه اجتماعی، بحران بیکاری است که غالب کشورها از آن رنج می برند. همچنین، تولید انبوه صنعتی «هزینه های خارجی» فراوانی را بر سلامت جامعه و محیط زیست تحمیل می کند. برای توضیح بیشتر در این مورد، بنگرید به پانوش^{۷۵}.^{۵۶} گسترش نفوذ شرکت های جهانی در کشورهای جهان در استعمار نو با «استیلای ذهنی» همراه بوده است. چگونگی کنترل اذهان و رفتار جهانیان- آحاد مردم و مسئولین کشورها- در مقالات جداگانه، تشریح شده است. (عباسی ۱۳۹۴، ۱۳۹۶) جالب توجه است که عدم آگاهی عمومی در مورد این جنبه از استعمار نو موجب شده است که افکار عمومی و مسئولین از افزایش صادرات از کشور خود با افتخار یاد کنند. یعنی تولیدکنندگان، صادرکنندگان و مسئولین به افزایش

میزان صادرات کشور می‌بالند و آن را از موفقیت‌های خود اعلام می‌کنند. این در صورتی است که با درگیر شدن هر چه بیشتر اقتصاد یک کشور با تجارت جهانی، بازار داخلی آن کشور شاهد کاهش کیفیت کالاها و از سوی دیگر افزایش قیمت‌ها خواهد بود. مثلاً در بازار داخلی کشور ما، بر خلاف گذشته‌ای که چندین دور، اگر برنج، چای، ماهی، گوشت گوسفند، مغزیجات/خشکبار، عسل و روغن زیتون مرغوب ایرانی یافت شود، قیمت این کالاها به حدی است که نمی‌توان آنها را «ارزاق عمومی» نامید چون فقط جمعیت محدودی از توانگران جامعه قدرت خرید آن را دارند. از این رو صادر کردن بهترین تولیدات یک کشور به بازارهای خارجی (آن هم با پرداخت یارانه و تسویقی به صادرکنندگان)، چیزی نیست که یک کشور به آن بی‌بالد. کما اینکه در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی، سیاست‌های بازرگانی به صورتی اتخاذ می‌شود که نه تنها بهترین‌های محصولات خود را برای مصرف داخلی نگه می‌دارند، بلکه بهترین تولیدات کشورهای جهان سوم را نیز جذب می‌کنند. برای مثال بنگرید به سیاست کشور اتریش در تخصیص بهترین‌های کشاورزی آرگانیک (غیر شیمیایی) کشور برای مصرف داخلی و محدود کردن صادرات فقط به مازاد این محصولات مرغوب و ارزشمند در: «مطالعه موردی - کشاورزی سالم در اتریش»

www.eabbassi.ir/localdevelopmentplnplcy_orgagcasestudy.htm

مناقشات سیاسی و درگیری‌های نظامی در عصر ما در واقع مظاهر جنگی است که در عرصه اقتصادی، بر سر منابع باقیمانده کره زمین و بازارهای جهان، در جریان است. لذا عملکرد هوشیارانه و هوشمندانه در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نه تنها ضامن عدالت اجتماعی در داخل، بلکه مایه ایجاد وجهه‌ای مقتدر و قابل احترام در عرصه بین‌المللی است. در چنین شرایط رقابتی و خصمانه در عالم اقتصاد، چه مقدار احترام از سوی کشورهای سلطه جوی دنیا می‌توان برای کشورهای انتظار داشت که نه تنها در این جنگ اقتصادی به فکر تحقق اقتصاد مقاومتی (خودکفایی و خوداتکایی داخلی) نیستند، بلکه داوطلبانه و با شتاب، منابع سرزمینی خود را به کالا تبدیل می‌کنند و بهترین‌های آن را تقدیم بازارهای صادراتی می‌کنند؟ مطمئناً، رفتار گستاخانه دولت ایالات متحده در اعمال تحریم بر علیه کشور ما و مصادره اموال و دارایی‌های ایران در خاک خود، با غفلت ما از سیاستگذاری عزتمندانه در حوزه اقتصادی بی‌ارتباط نیست.

جهت نمونه، برای نشان دادن گوشه کوچکی از اینکه چگونه توسعه مبتنی بر صادرات، جوامع کهن را از عزتمندی و ارزش‌های تمدنی و اخلاقی خود دور می‌کند، همین گفته بس که بر اساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۴، مادامی که ائتلاف عربی، یمن را به شدت بمباران می‌کرد، تولید کنندگان و صادرکنندگان ایرانی نزدیک به ۶ میلیارد تومان عسل، به امارات متحده عربی و عربستان صادر کردند.

در برهه‌هایی اینچنین خطیر در تاریخ ملت‌هاست که آشکار می‌شود که چرا پیام‌آزادگان و غیرتمندان تاریخ، جاودانه می‌گردند و فرزندان این آزادگان می‌مانند تا حکایت این راز دوام و بقای تمدنی را برای آیندگان، در حکایات و مراسم آیینی و ملی، بازآفرینی کنند. هنر مردمان امروز جوامع کهن مثل ایران، نیفتادن به دام وعده‌های به اصطلاح «طلایی» اما توخالی توسعه و به جای آن، پوشیدن جوشن حریت و عزتمندی سروران و رهبران معنوی و تاریخی خود است. مقاومت و دوام تمدن‌ها در برابر اسارت‌های توسعه در عصر حاضر، که غالباً در پوششی از تبلیغات فریبنده پیچیده شده است، در گرو نقش آفرینی مردم است که با همکاری، ابتکار عمل و صداقت، راه‌هایی ابداع کنند که از منابع سرزمینی خود با پایداری (نه شتاب تحلیل‌برنده و ویرانگر) بهره‌برداری کنند و بهترین تولیدات خود را در سطح محلی و منطقه‌ای به مصرف هموطنان خود برسانند چرا که همین مردم (یعنی خودشان)، صاحبان و پاسداران منابع سرزمینی‌ای هستند که برای تولید این محصولات به کار رفته است. بی‌تردید، عظمت و زیبایی این سربلندی، توانمندی و بی‌نیازی از غیر، به حدی است که استیلای ذهنی استعمار را از مجامع سیاستگذاری می‌زداید و سیاستگذاران خوش‌نیت و

«مزیت نسبی»⁵⁷ نام تئوری اقتصادی ای است که برای توجیه افزایش صادرات به دیگر کشورها به آن استناد می شود. بر اساس این تئوری، هر کشور باید فقط به تولید کالاها و محصولاتی مشغول باشد که ملزومات تولید آنها را به وفور دارد. مهیا بودن این ملزومات، امتیاز این کشور بر دیگر کشورهای جهان برای تولید این محصولات را نشان می دهد. از این رو است که می بینیم برخی از کشورها به کشت و صادرات محصولات خاصی شهرت یافته اند، مثل قهوه، نیشکر، محصولات جنگلی، یا مونتاژ وسایل الکترونیکی. براساس تئوری مزیت نسبی، این کشورها نباید منابع خود را صرف تولید داخلی همه نیازمندی های مردم خود کنند چون آنها می توانند تمامی محصولات و کالاهای مورد نیاز ملت خود را با ارزی که از صادرات محصولات صادراتی خود به دست می آورند از دیگر کشورها وارد کنند. و این کالاهای وارداتی، همان محصولاتی هستند که دیگر کشورها در تولید آنها امتیازاتی بر کشورهای وارد کننده دارند.

مزیت نسبی تئوری ای کلیدی در توجیه کل نظام تجارت جهانی و جهانی سازی اقتصاد است. تبلیغ مزیت نسبی در جهان با هدف از میدان به در کردن سیستم های کارآمد و متنوع تولید محلی و منطقه ای است که از طریق بنگاه های کوچک صنعتی و کشاورزی مقیاس کوچک، بسیاری از مردمان محلی را به کار گمارده است. این واحدهای خرد، نیازهای خود از جمله مواد اولیه و نیروی انسانی را در محل تامین می کنند و برای مصرف محلی و منطقه ای تولید می کنند. این میزان از خود کفایی و خوداتکایی، مجالی برای بهره کشی اقتصادی شرکت های جهانی از منابع و مردم یک سرزمین باقی نمی گذارد. لذا هدف جهانی سازی، جایگزین کردن سیستم های بزرگ تک محصولی در کشورها به منظور تشویق و تامین اقتصاد صادرات-محور است تا سیستم های مردمی و محلی نابود شوند و عرصه برای سود بردن سرمایه های کلان خارجی در جوامع مهیا تر گردد.

در نگاهی تاریخی به این تحولات، در اواسط قرن بیستم، بسیاری از کشورهای تازه استقلال یافته تلاش کردند که از تخصص گرایی و تک محصولی در اقتصاد فاصله بگیرند: این

سخت کوش ما را از پوشیدن «کت بند توسعه» منصرف و در راه مساعدت با فعالان مقاومت در عرصه اقتصادی، همراه خواهد ساخت.

⁵⁷ comparative advantage

کشورها، به منظور جبران خسارات دوران استعمار که آنان را وادار به پذیرش سیستم های تک محصولی مثل مزارع بزرگ آناناس، قهوه، موز و حتی مونتاژ صنعتی کرده بود، اقدام به متنوع سازی بخش صنعت و کشاورزی خود کردند. دولت های جدید در این کشورها کاملا دریافته بودند که تخصص گرایی تحمیلی اقتصاد کشور، آنان را نسبت به تصمیمات سیاسی در خارج از کشور و تلاطمات بازار و سیستم های جهانی قیمت گذاری کالاها و محصولات، آسیب پذیر ساخته است. این آسیب پذیری موجب شده بود که آنان قادر نباشند با درآمد نسبتا اندک حاصله از صادرات، تمامی نیازهای مردم خود را در حوزه غذا، دارو، انرژی و آنچه برای تولید صنعتی در داخل کشور نیاز داشتند وارد کنند. طبعاً، با این تجربه از ناکارآمدی اتکا به صادرات برای تامین نیازهای داخلی، رهبران این کشورهای مستقل ترجیح دادند که در حد امکان در تامین غالب این نیازها، خودکفا و خوداتکا شوند. سیستمی که ایشان انتخاب کردند را در اصطلاح «جایگزینی واردات»^{۵۸} یا به بیان ساده تر «خوداتکایی ملی»^{۵۹} می نامند. هدف این سیستم برقراری کنترل مردم بر اقتصاد داخلی کشور خود بود.^{۶۰}

بعد از همایش برتون وودز، و به ویژه طی دهه ۱۹۸۰ میلادی^{۶۱}، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بر فشارهای خود بر این کشورها افزودند تا از خوداتکایی فاصله بگیرند. برای نكوهش و ناپسند جلوه دادن سیاست های مرتبط با جایگزینی واردات یا خوداتکایی ملی، این رویکرد را «انزوا طلبی»^{۶۲} و «حمایت گرایی»^{۶۳} نام نهادند. فشارهای این دو نهاد، این کشورها

⁵⁸ import substitution

⁵⁹ national self-reliance

⁶⁰ هدف از «اقتصاد مقاومتی» هم همین است. با این تفاوت که در شرایط کنونی جهان، نقش آفرینی مردم در کلید زدن به اقتصادی که مردم در آن کنترل بیشتری دارند، برجسته تر است. برای اطلاع از جزئیات و منابع بیشتر، بنگرید به: بخش ۲ همین مجموعه مقالات و عباسی ۱۳۹۴.

⁶¹ مقارن با زمامداری دولت های محافظه کار حامی سرمایه داری جهانی در ایالات متحده و انگلستان به ریاست، به ترتیب، رییس جمهور رونالد ریگان و نخست وزیر مارگارت تاچر.

⁶² isolationism

⁶³ protectionism

از واژه «حمایت گرایی» در استناد به سیاست های کشورهای در حال توسعه برای حفاظت از صنایع داخلی خود استفاده می کنند. مثلاً طرفداران جهانی سازی از وضع تعرفه های گمرکی بالا برای منع یا محدود کردن واردات محصولات مشابه خارجی بیزار اند و آن را «حمایت گرایانه» می نامند. استفاده از این واژه برای نكوهش دولت های حامی تولیدات داخلی به حدی عمومیت یافته که برای سیاستگذاران، تحقیر کننده است که «حمایت گرا» خوانده شوند. این در صورتی است که تمامی کشورهای صنعتی جهان خود برای توسعه و محافظت از تمامی صنایع خود، در گذشته و حال، از سیاست های حمایتی، استفاده کرده و می کنند. (Chang 2002)

را به سوی گشودنِ مرزهای خود به روی سرمایه های خصوصی و شرکت های جهانی به منظور استقرار مدل تولید صادرات-محور سوق داد. اعمال فشار از سوی این نهادها، عمدتاً از طریق مشروط کردن دریافت هر گونه کمک مالی از آنها به چیزی موسوم به «برنامه های تنظیم ساختاری»^{۶۴} صورت گرفت. برنامه های تنظیم ساختاری نام دیگری برای تغییراتی بود که توجه سیاستگذاران [و اعتبارات دولت مرکزی] را از سیستم های داخلی و تامین نیازهای داخلی گرفته و آن را به سوی تولید صادرات-محور معطوف می ساخت. اما پس از پذیرش اقتصاد صادرات-محور، این کشورها تازه پی بردند که کشورهای ثروتمند برای واردات محصولات ایشان محدودیت های جدی اعمال می کنند. بنابراین، بسیاری از کشورهای فقیر، از تبدیل سیستم های خودکفا و خوداتکای داخلی به سیستم های صادرات-محور پشیمان اند و به نهضت مقاومت در برابر تجارت جهانی پیوسته اند.

اما چرا بانک جهانی و صندوق بین المللی پول تا این حد بر موضع و عملکرد خود مُصر بوده اند؟ دلیل اصلی این پافشاری را بدینصورت می توان خلاصه کرد: [همانطور که پیشتر به طور خلاصه مطرح شد] سیستم های اقتصادی ای که خوداتکایی محلی و منطقه ای را میسر می کنند مجالی به شرکت های جهانی برای دستیابی به تجارت آزاد، جهانی سازی اقتصادی و رشد سریع و بالای مورد انتظار خود نمی دهند. هر سه هدف مذکور می طلبد که تعداد و

منتقدین بی اطلاع از این واقعیت تاریخی اصرار دارند که باید تعرفه ها کاهش داده (یا حذف) شود تا تولیدکنندگان داخلی مجبور شوند خود را به کیفیت مناسب برای رقابت در بازار جهانی برسانند. ایشان، کشورهای در حال توسعه ای که از اتخاذ اینگونه سیاست ها ابایی ندارند را به عدم تمایل به تعامل با دیگر کشورها متهم می کنند تا شاید با اهرم تحقیر، سیاستگذاران را وادار به همکاری با نهادهای برتون وودز و تجارت جهانی کنند.

افزایش بی سابقه و بلامانع واردات کالاهای خارجی به کشور ما پس از اجرایی شدن برجام و اعزام یکی پس از دیگری نمایندگان شرکت های جهانی از کشورهای مختلف، برخی در گروه های بالغ بر ۱۰۰ نفر، به تهران برای امضای اسناد تجاری، مصداقی از نتیجه فشارهای بین المللی برای گشودن مرزهای یک کشور است. از یک نگاه، ورود این حجم عظیم از کالاهای خارجی از مرزهای رسمی کشور را می توان «قاچاق» نامید، اما از نگاهی دیگر، این چیزی جز سیاست ترخیص کالاها با تعرفه صفر درصد به نظر نمی رسد. به هر نام که آن را بخوانیم، این عملکرد با منافع جهانی سازی و شرکت های جهانی حامی آن سازگار و با اهداف اقتصاد مقاومتی در تعارض کامل است.

⁶⁴ structural adjustment programs / SAPs

در ترجمه های فارسی متون اقتصادی، از عبارت «برنامه های تعدیل ساختاری» برای اشاره به این برنامه ها استفاده می شود. این ترجمه دقیق نیست چون استفاده از آن این درک نادرست را در ذهن خواننده تداعی می کند که ساختارها و سیاست های بومی «افراطی» اند و باید «تعدیل» شوند. پس «تنظیم ساختاری» ترجمه دقیق تری است چون این دقیقاً کاری است که نهادهای برتون وودز بر سیاستگذاران کشورها تحمیل می کنند.

حجم تراکشی های اقتصادی بین کشورها هر چه بالاتر و میل حداکثری داشته باشد. تولید محلی و منطقه ای، دشمن و مانع درجه یک جهانی سازی است چون ذاتا کوچک مقیاس است و فرآیند تولید و توزیع محصولات آن مستلزم گام های کمتر و کوچکتری است. به بیان دیگر، در نظام های اقتصادی مبتنی بر تولید محلی و منطقه ای، فرصت های سودجویی برای شرکت های جهانی بسیار کاهش می یابد.

در مقابل، صادرات محصولات محلی که در پهنه وسیع اقیانوس های جهان، مدام از کشوری به کشور دیگر بارگیری و باراندازی می شود، و در مواردی حتی پس از انجام مراحل از تولید مجددا بارگیری و به مقصد سومی گسیل داده می شود، شرایط ایده آل جهت ایجاد ثروت برای شرکت های جهانی به وجود می آورد. در تجارت جهانی، گاه در طی شبانه روز، هزاران کشتی بارکش غول پیکر در اقیانوس ها از کنار هم عبور می کنند. ثمره این جابجایی مستمر اما بیهوده کالاها همان رشد سریع و بالایی است که شرکت های بزرگ جهان در پی آن اند. اما افسوس که این رفت و آمد غیر ضرور، ویرانگر سریع محیط زیست است و کشورها را وابسته به نیروها و عوامل بیرونی می کند که آنها هیچ کنترلی بر آن ندارند.

www.eabbassi.ir

جالب توجه اینکه مبلغین تجارت آزاد غالبا به نام و تئوری های اقتصاددانان معروفی چون «آدام اسمیت»^{۶۵} و «دیوید ریکاردو»^{۶۶} استناد می جویند تا از سیاست های صادرات-محور دفاع کنند. این در صورتی است که اسمیت به صراحت بنگاه های کوچک و محلی را ترجیح می داد و تئوری مزیت نسبی ریکاردو نیز فرض را بر این قرار می داد که سرمایه فقط در درون کشورها جابجا شود و نه بین آنها. شرایطی که امروزه بر اساس مقررات تجارت جهانی به وجود آمده است با نظریه های این اقتصاددانان کاملا در تضاد است. تبدیل اقتصادهای متنوع محلی به سیستم های صادرات-محور به شرکت های جهانی سود سرشاری می رساند اما افراد، جوامع محلی و ملت ها را وابسته و آسیب پذیر می کند. جوامع و محیط زیست، شرایط بسیار بهتری می داشتند اگر نهادها و پیمان های بین المللی به جای تولید صادرات-محور از خودکفایی محلی و ملی حمایت می کردند.

⁶⁵ Adam Smith 1723-1790

⁶⁶ David Ricardo 1772-1823

بخش کشاورزی یکی از مصادیق روشن برای نشان دادن آسیب های ناشی از توسعه صادرات- محور است. دوران معاصر به «عصر رایانه» شهرت یافته است. اما حتی در این عصر، نیمی از جمعیت جهان هنوز مستقیماً از زمین و کار کشاورزی امرار معاش می کنند. این جمعیت غالباً به تولید قوت غالب و دیگر محصولات متنوع مورد نیاز خود و جامعه پیرامونی مشغول اند. کشاورزان محلی بذره های بومی و اصیل خود را برای کشت مجدد در سال بعد ذخیره می کنند [و از خریداری بذره های تجاری بی نیاز اند.] ایشان به تناوب کشت^{۶۷} باور دارند و از مزایای استفاده از سیستم های مشارکتی محلی^{۶۸} در بهره برداری جمعی از منابع آب، بذر، کار و شخم بهره مند اند.

این سیستم ها، طی هزاره های متمادی، شرایط مناسب تداوم تولید و بقای جامعه را برای آنان تضمین کرده است. اما چون سیستم های محلی با منافع شرکت های بزرگ در تضاد است، شرکت های جهانی مرتبط با کشاورزی چون مونسانتو^{۶۹}، کارگیل^{۷۰} و «آرچر دانیلز میدلند»^{۷۱} رهبری جبهه تبلیغاتی چند میلیون دلاری منسجمی متشکل از دیگر شرکت های بزرگ، دولت ها و سازمان های بوروکراتیک را بر عهده گرفته اند تا با بیانیه های رسمی پی در پی خود، کشاورزان خرد جهان را فاقد بهره وری کافی و عاجزان سیرکردن جهان گرسنه امروز معرفی کنند.^{۷۲}

⁶⁷ crop rotation

تناوب کشت یعنی اینکه در دو سال متوالی در یک قطعه زمین، یک محصول کاشته نمی شود.
⁶⁸ این سیستم ها زمانی در تمامی جوامع کهن عمومیت داشته است. در این سیستم ها حق استفاده فرد از دارایی های مشترکی چون آب، زمین، بذر، مرتع، جنگل و رودخانه، در ازای پرداخت وجه نقد نبود بلکه مشروط به مشارکت او در حفظ و حراست و غنی سازی این منابع بود. مقاومت و پایداری نظام کشاورزی سنتی ایران، قبل از اجرای قوانین تغییرات ساختاری موسوم به «انقلاب سفید» در دهه ۱۳۴۰ نیز مرهون هزاران نمونه از این سیستم های محلی بهره برداری جمعی از دارایی های مشترک این مرز و بوم توسط مردم محلی در سراسر کشور بود. غالب این سیستم ها در نتیجه اجرای اصلاحات ارضی و ملی کردن منابع طبیعی کشور، از هم پاشید. برای آشنایی با تعدادی از این سیستم های هوشمندانه و کارآمد در ایران و دیگر جاهای دنیا بنگرید به: فرهادی ۱۳۷۳، صافی نژاد ۱۳۵۹، الف ۱۳۶۸، ب ۱۳۶۸ و Warren 1995, Ostrom 1990
و برای مطالعه بیشتر در مورد خاستگاه استعماری اصلاحات ارضی و ترویج کشاورزی صنعتی در ایران، بنگرید به:
«نهاد فراملیتی کشاورزی» www.eabbassi.ir/localdevelopmentplnply_transnataginst.htm

⁶⁹ Monsanto

⁷⁰ Cargill

⁷¹ Archer Daniels Midland

⁷² خوشبختانه تعداد رو به رشدی از پژوهشگران مستقل با اجرای پژوهش های میدانی، بی اساس بودن تبلیغات این

تقریباً تمامی مقررات سازمان تجارت جهانی و بانک های بزرگ و بسیاری از مقرراتی که هم اکنون در مرحله پیشنهاد اند و برای گنجانده شدن در پیمان های تجاری آینده در نظر گرفته شده اند، از شرکت های جهانی مرتبط با کشاورزی صنعتی و کشاورزی تک محصولی [آیده آل برای کشاورزی صادرات-محور] حمایت می کنند و نه از کشاورزی متنوع محلی که برای خودکفایی مناسب است.

لذا بسیاری از جاهای جهان که در آن تا چندی پیش ده ها هزار کشاورز خرد به کشت قوت و غذای مردم اشتغال داشتند، هم اکنون به عرصه فعالیت های کشاورزی و اجرای طرح های سودآور کشت مقیاس وسیع برای شرکت های جهانی، به ویژه محصولات لوکس و غیر ضرور، تبدیل شده است. این شرکت ها هرگز برای تامین نیازهای مردم محلی تولید نمی کنند. سرمایه گذاری خارجی در حوزه کشاورزی غالباً محصولات سودآورتری مثل گل، گیاهان گلدانی، گوشت گاو، میگو، پنبه و قهوه، و آنهم برای بازارهای صادراتی در کشورهای ثروتمند را هدف قرار می دهد. و چه بر سر مردمی که زمانی در این اراضی کشاورزی می کردند می آید؟ آنها به سرعت به جاهای دیگر گسیل داده می شوند. و از آنجاییکه شرکت های جهانی بر استفاده از روش های مکانیزه متمرکز اند، از این تغییر ساختاری در کشاورزی، فرصت های شغلی بسیار اندکی حاصل می شود. از این رو، مردمی که زمانی غذای خود را خود تامین می کردند، به جمعیتی بی زمین، بی درآمد، بیکار، بی خانمان، وابسته و عموماً گرسنه بدل می گردند. در این فرآیند، جوامع محلی که زمانی دوام و بقای خود را با خوداتکایی و خودکفایی تامین می کردند، ناپدید می شوند. و فرهنگ های آنها نیز که برای نسل های متمادی تداوم یافته بود، با پراکنده شدن جامعه، از هم می پاشد. حتی در ایالات متحده نیز می توان این

شرکت های جهانی را برملا کرده اند. این پژوهش ها نشان داده است که بازده زراعی سیستم های غیر شیمیایی محلی در برخی موارد حتی بیشتر از سیستم های کشاورزی است. (چینگ ۱۳۹۲) این دستاورد پژوهشی در مورد برتری بازده زراعی نظام های غیرشیمیایی محلی، بسیار معنی دار است. سیستم های صنعتی کشاورزی، با احتساب کلیه هزینه های بالای مرتبط با بذرهای تجاری، نهاده های شیمیایی و مصرف آب بیشتر، از نظر بازده اقتصادی هرگز توان رقابت با نظام های محلی کشاورزی را نداشته است. با اثبات برتری بازده زراعی نظام های غیر شیمیایی، روش های صنعتی حتی در مرتبه پایین تری از توجیه اقتصادی قرار می گیرند. برای اطلاع بیشتر در مورد تفاوت بین این دو بازده و ایجاد ابهام در مورد این دو بازده به منظور تبلیغ گمراه کننده کشاورزی صنعتی و بذرهای اصلاح شده و تراویخته بنگرید به: «نهاده فراملیتی کشاورزی: باورهای نادرست، تکنولوژی نامناسب و رفتارهای نامعقول در کشاورزی»

پدیده را در ناپدید شدنِ نظامِ مزرعه داری خانوادگی^{۷۳} که زمانی شکل غالبِ کشاورزی در این کشور بود به وضوح دید.

از جمله مسایل زیست محیطی مرتبط با اقتصاد صادرات-محور در حوزه کشاورزی می توان از خسارات کلان به تنوع [و ذخایر] زیستی نام برد. پافشاری بر کشت تک محصولی برای صادرات و استفاده گسترده و کلان از آفت کش ها به این کاهش فاحش در تنوع زیستی در کشاورزی انجامیده است. مثلا در فیلیپین، کشاورزان خرد زمانی هزاران گونه مختلف برنج را برای کشت در اختیار داشتند. اما امروزه در این کشور تنها چند گونه انگشت شمار از این محصول کشت می شود و گونه هایی که کنار گذاشته شده اند در معرض نابودی اند. در کشور مکزیک، ۷۵ درصد گونه های بومی ذرت از میان رفته است. به نقل از «سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد» (فائو)^{۷۴}، جهان پیشاپیش ۷۵ درصد تنوع ذخایر ژنتیکی کشاورزی خود را، مشخصا به واسطه جهانی شدن کشاورزی صنعتی، از دست داده است.

علاوه بر این، «هزینه های خارجی»^{۷۵} کشاورزی صنعتی بسیار بالاست. کشاورزی صنعتی به داشتن بهره وری بالاتر در مقایسه با کشاورزی خرد افتخار می کند. اما در نظر ندارد که این روش، هزینه های گزافی بر هوا، آب، خاک و حیات رودخانه ها تحمیل می کند. خاک ها و آب های سطحی به نهاده های شیمیایی آلوده است و خسارت بر حیات آبیان بالاست. و بیماری هایی که از طریق غذا منتقل می شود، مثل سالمونلا^{۷۶}، ای کولای^{۷۷}، لیستریا^{۷۸}، جنون گاوی^{۷۹} و تب برفکی^{۸۰}، ریشه در سیستم های صنعتی کشاورزی دارند.^{۸۱}

⁷³ family farms

⁷⁴ Food and Agriculture Organization / FAO

⁷⁵ external costs, externalities

هزینه های خارجی از جمله هزینه های تولید انبوه کالاهای صنعتی است که معمولا در برآورد قیمت این کالاها به حساب آورده نمی شود. مثلا اگر در فرآیند ساخت یک کالای صنعتی، مقداری از پسماند شیمیایی کارخانه وارد رودخانه ای شود و آب آن را مسموم سازد، کلیه هزینه های مرتبط با بیماری افرادی که آب شرب شهرشان از آن رودخانه تامین می شود و نیز هزینه پاکسازی رودخانه از این آلاینده می باید قاعدتا به قیمت آن کالا اضافه شود. اگر این هزینه ها به قیمت کالا اضافه شود، اجناس تولیدکنندگان بی مسئولیت نمی تواند در بازار با کالاهای تولید شده توسط تولید کنندگان دوستدار محیط زیست و سلامت جامعه رقابت کند و لذا تولیدکنندگان آسیب رسان، خود به خود از گردونه تولید خارج می شوند. از این رو است که بسیاری از دستداران توسعه پایدار و محیط زیست می خواهند که هزینه های خارجی در قیمت گذاری کالاها لحاظ قرار گیرد تا بدینصورت تمامی تولیدکنندگان تشویق شوند که از هزینه های خارجی، یعنی تعرض به طبیعت و سلامت جامعه، پرهیزند.

⁷⁶ Salmonella

و دست آخر، کشاورزی صنعتی هزینه اجتماعی مدرسانی به خانواده هایی که توسط این سیستم جهانی از خانه و کاشانه خود آواره می شوند را بر بودجه عمومی دولت ها تحمیل می کند. لذا با توجه به هزینه های خارجی وارده بر محیط زیست و آسیب های اجتماعی ناشی از این تغییر سیستمی، آیا باز هم می توان ادعا کرد که کشاورزی صنعتی دارای بهره وری بالاتری است؟

سالمونلا بیماری خاص ماکیان است که از راه گوشت مرغ و پوست آلوده تخم مرغ به انسان سرایت می کند. این بیماری در شکل حاد آن کشنده است.

⁷⁷ E.coli

ای کولای نوعی باکتری است که در دستگاه گوارشی پستانداران عمومیت دارد. نوعی از آن که مسمومیت و اسهال شدید ایجاد می کند از راه خوردن غذای آلوده به مدفوع جاندار بیمار، به انسان ها و حیوانات سالم انتقال می یابد.

⁷⁸ Listeria

لیستریا از بیماری های مهلک مشترک انسان و دام است که از راه گوشت و لبنیات منتقل می شود.

⁷⁹ mad cow disease

جنون گاوی بیماری مهلک قابل انتقال به انسان از طریق خوردن گوشت آلوده است. ظهور این بیماری را به سال ۱۹۸۴ ردیابی کرده اند اما اولین گزارشات رسمی از وجود میلیون ها راس گاو مبتلا به این بیماری در گاوداری های بزرگ صنعتی انگلستان در اوایل دهه ۱۹۹۰ منتشر شد. تغذیه دام در این گاوداری های صنعتی با پودر ضایعات دامی کشتارگاه ها (عملکردی موسوم به «تغذیه دام با همجنس خواری») دلیل ظهور این بیماری بی سابقه شناخته شده است. متخصصین معتقدند که انتقال این بیماری از گاو به انسان به سادگی صورت نمی گیرد. اما با این وصف، تا سال ۲۰۱۲، ۲۲۶ نفر، ۱۷۶ انگلیسی و مابقی از دیگر کشورهای جهان، از این بیماری جان خود را از دست دادند. Guardian 2012

⁸⁰ foot-and-mouth disease

بیماری تب برفکی به ندرت به انسان ها سرایت می کند، اما از بیماری های بسیار مسری و کشنده در میان گاوسانان است به طوری که «طاعون» بیماری های دام شمرده می شود.

⁸¹ اخیراً شیوع بیماری «آنفولانزای پرندگان» در رسانه ها برجسته شده است. لازم به ذکر است که دانشمندان، این

بیماری را به عنوان یکی از عوارض حاد مرغداری صنعتی شناخته اند. (Wallace 2017)

این یافته به این معنی است که با کوچک کردن واحدهای مرغداری می توان به سادگی از نابودی میلیون ها پرند، آسیب مالی به مرغداران و اعتبارات عمومی و هزینه کرد میلیون ها دلار برای واکسن پیشگیری از ابتلا به آن در جامعه پرهیز کرد. مضافاً اینکه، با اتخاذ این سیاست هوشمندانه و پیشگیرانه، ضرورت نابودی مرغ های صنعتی آلوده به این بیماری نمی تواند دلیل نابودی مرغ های بومی و اصیل که از ذخایر ژنتیکی ارزشمند جوامع و اساس خودکفایی و خوداتکایی واقعی در تولید تخم مرغ و گوشت مرغ کشورهای قرار گیرد.

حمل و نقل غیر ضرور و افراطی تجارت آزاد و پیامدهای زیست محیطی آن

جرى مندر^{۸۲} و سیمون رتالاک^{۸۳}

افزایش فاحش حمل و نقل زمینی و دریایی از جمله ویژگی های ذاتی توسعه صادرات-معور است. در نیم قرنی که از همایش برتون وودر می گذرد، حجم حمل و نقل جهانی ۲۵ برابر شده است. این افزایش بی سابقه، توسعه عظیم زیرساخت های جهانی را الزامی ساخته است. شرکت هایی چون بکتل و «هلی برتون»^{۸۴} از توسعه زیرساختی مرتبط با جهانی سازی، سود کلان برده اند: فرودگاه های جدید، بنادر، میدان های نفتی، شبکه های لوله های انتقال نفت و گاز، خطوط ریلی و بزرگراه ها. بسیاری از این تاسیسات در مکان هایی ساخته می شوند که هنوز طبیعت نسبتاً بکر و ارزشمند محسوب می شود. مثل صخره های مرجانی، زیستگاه های حیات وحش، جنگل ها و مراتع. بسیاری از بزرگراه ها از میان مناطق روستایی و اراضی زراعی عبور می کنند.

تأثیر زیانبار این تاسیسات به ویژه در آمریکای جنوبی و مرکزی مشهود است. در این بخش از جهان، سرمایه گذاری های عظیمی در توسعه زیرساخت ها در دل طبیعت بکر صورت گرفته است، غالباً در تقابل با جوامع بومی منطقه، مثل «اوواها»^{۸۵} در کلمبیا، «کوناها»^{۸۶} در پاناما، و گروه های متعددی از جوامع بومی در اکوادور. همچنین چند سال پیش همین نوع تاسیسات زیرساختی موجب بروز اعتراضات گسترده ای در انگلستان شد. در یک مورد دویست هزار نفر در مخالفت با ساخت بزرگراه های عریضی که از میان مزارع و مراتع روستاهای یک منطقه عبور می کرد تا تسهیل کننده رفت و آمد هزاران کامیون حامل کالاهای صادراتی باشد، تجمع کردند. معترضین آمریکای جنوبی و مرکزی و تظاهر کنندگان مناطق روستایی انگلستان با مخالفت خود این سوال را مطرح کرده اند که چرا جامعه و محیط زندگی ایشان باید برای خدمت رسانی به جهانی سازی ویران گردد؟

⁸² Jerry Mander, International Forum on Globalization

⁸³ Simon Retallack, *The Ecologist*

⁸⁴ Halliburton

همانند شرکت بکتل، شرکت هلی برتون از پیمانکاران ساختمانی صاحب نفوذ جهان، به ویژه در ساخت پالایشگاه ها، خطوط لوله انتقال نفت و گاز و تاسیسات پتروشیمی است. جالب توجه اینکه، ارائه خدمات نظامی نیز از دیگر حوزه های فعالیت این شرکت جهانی است. انتخاب رییس اسبق این شرکت، آقای «دیک چینی» به معاونت رییس جمهور در دولت جورج بوش پسر، نشان دهنده میزان نفوذ و قدرت این شرکت در سیاست های آن کشور است. هلی برتون از جمله شرکت هایی است که همانند بکتل، بدون شرکت در مناقصه، از دولت آمریکا قرارداد دریافت می کند. هلی برتون همچنین از جمله شرکت هایی است که بدون رعایت تحریم های دولت آمریکا، در هر نقطه ای از دنیا که بخواهد فعالیت می کند. افتتاح دفتر یکی از بنگاه های زیر مجموعه این شرکت جهانی در تهران در سال ۲۰۰۱، از جمله مواردی بود که برای این شرکت در آمریکا جنجال برانگیز شد. بنا به گزارشات متعدد، این شرکت در تصمیم ایالات متحده در حمله به عراق و بازسازی آن کشور، از بازیگران عمده بوده و از آن منفعت عظیم اقتصادی برده است. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: Chatterjee 2003b

⁸⁵ The U'wa

⁸⁶ The Kuna

افزایش استفاده از سوخت های فسیلی از دیگر پیامدهای افزایش حجم تجارت جهانی و جابجایی بی مورد کالاها بوده است. افزایش احتراق سوخت های فسیلی موجب پدیده تغییرات آب و هوایی شده است. نزدیک به ۸۰ درصد حمل و نقل بار در جهان توسط کشتی های باری انجام می گیرد. سوختی که عموماً برای به حرکت درآوردن این کشتی ها استفاده می شود مخلوطی از سوخت دیزل و سوخت دیگری موسوم به «بانکر سی»^{۸۷} است. اساساً بانکر سی نوعی پسماند فرآیند پالایش نفت است و اگر کشتی ها در دل اقیانوس ها، به دور از مراکز جمعیتی انسان ها از این سوخت استفاده نمی کردند مصرف دیگری نمی توانست داشته باشد. تقمین زده می شود که در چند سال آینده، صنعت کشتیرانی جهان از اینکه هست بسیار گسترده تر شود. [برای نمونه] فقط بندر لُس آنجلس، خود را برای رشدی ۵۰ درصدی طی دهه آتی آماده می کند.

حمل و نقل هوایی از حمل و نقل دریایی نیز آلاینده تر است. هر تن بار که توسط هواپیما جابجا می شود در مقایسه با کشتیرانی، برای هر کیلومتر مسافت طی شده، ۴۹ برابر بیشتر، انرژی مصرف می کند. یک فیزیکدان شرکت هواپیما سازی بوئینگ میزان مصرف و آلودگی مرتبط با از زمین برخاستن یک هواپیمای ۷۴۷ را بدینصورت توصیف کرده است: «مثل این است که پمپ بنزین یک مپله را به آتش بکشید و آن را برقرار آن به پرواز در آورید». در برآوردی دیگر، سوخت مصرفی یک پنین هواپیمایی در هنگام بلند شدن از باند، که دو دقیقه بیشتر طول نمی کشد، برابر با سوختی است که ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار پمن زن می سوزانند اگر به مدت ۲۰ دقیقه همزمان روشن باشند.

آلودگی آب اقیانوس ها از دیگر پیامدهای حمل و نقل دریایی است که خود به برانی عظیم بدل شده است. تاثیر رفت و آمد این کشتی های غول پیکر را می توان بر حیات وحش و جمعیت آبزیان در دریاها مشاهده کرد. تهاجم زیستی انواع گونه های غیر بومی، که در جمعیت های میلیاردری با کشتی های تجاری در حال آمد و شد در اقیانوس هایند، موجب انقراض بسیاری از گونه های بومی شده است.^{۸۸} در ایالات متحده، ظهور «ویروس نیل

⁸⁷ Bunker C, Fuel Oil Number 6

همچنین موسوم به «روغن سوختی شماره ۶»، بانکر سی از نظر غلظت، فرق زیادی با قیر ندارد.
⁸⁸ «کشند سرخ» در خلیج فارس نوعی پلانکتون دینوفلاژه موسوم به «کارینا برویس» است که احتمالاً به همین صورت وارد آب های کشور ما و دیگر جاهای دنیا شده است. عوامل دیگری چون گرم شدن آب های آزاد جهان، تغییرات آب و هوایی و همچنین آزاد سازی آب های سطحی آلوده به نهاده های شیمیایی کشاورزی در دریاها نیز جزو عوامل تشدید کننده رشد انفجاری این موجود انگلی سرخ رنگ شده است. کارینا برویس نوعی سم موسوم به «سم برویس» تولید می کند که از طریق آزاد شدن در هوا و یا جذب شدن در بدن آبزیان، سلامت ساحل نشینان و مصرف کنندگان آبزیان به ویژه انواع صدف ها را تهدید می کند. این سم تا کنون موجب مرگ و میر وسیع آبزیان شده است و در بدن انسان نیز سیستم عصبی بدن را نشانه می گیرد. عوارض تجمیع این سم در بدن انسان شامل سرگیجه، درد مفاصل، درد معده، حالت تهوع، اسهال و سردرد است. به علت رنگ سرخ غیر طبیعی کشند سرخ در آب، و ترس از ابتلا به بیماری از راه تنفس هوای ساحلی یا خوردن صید محلی، گسترش این مسئله به اقتصاد محلی بسیاری از شهرهای ساحلی جهان که قبلاً مراکز گردشگری پرطرفداری بوده اند آسیب رسانده است.

غربی»^{۸۹} از پیامدهای حمل و نقل دریایی است، همپنین شیوع مالاریا و بیماری موسوم به «تب دنگی»^{۹۰} را نیز به این علت نسبت می دهند.

نکته دیگر اینکه، حجم قابل توجهی از حمل و نقل دریایی مستلزم تاسیسات و امکانات سردخانه ای است که بی شک به تقلیل رقتن لایه اوزون و تشدید پدیده تغییرات آب و هوایی افزوده است. حمل و نقل و تاسیسات سردخانه ای به نوبه خود موجب افزایش بسته بندی کالاها و استفاده بیشتر از «پالت های» پوبی^{۹۱} برای جابجایی کالاها توسط لیفت تراک می گردد. شاید در نگاه سطحی پندارن جلب توجه نکند، اما نیاز بیشتر به این یک قلم ابزار پوبی در حمل و نقل کالاهای سردخانه ای در تجارت جهانی، فشار بی سابقه ای بر جنگل های جهان گذاشته است.

فلاصه اینکه، تبدیل کشاورزی جهان، از نظام متنوع و فُرد مطلق به سیستم کشاورزی صنعتی صادرات-محور، که با استفاده از نهاده های شیمیایی و کشت و زرع در مقیاس کلان میسر شده است، تأثیری ویرانگر بر خاک و آب در سراسر جهان داشته است. پس اگر تصور کنیم که افزایش تجارت جهانی و تثبیت حمل و نقل غیر ضرور و بیش از حد که در سراسر جهان شاهد آن ایم چیز خوبی است، باید آسیب های اجتماعی و زیست محیطی که در اینجا بر شمردیم را نیز مطلوب بشماریم. تجارت جهانی، افزایش حمل و نقل افراطی و غیر ضرور و آسیب های زیست محیطی و اجتماعی، همه با هم، ماهیت این مدل از توسعه اقتصادی را تشکیل می دهد.^{۹۲}

www.cabbassi.ir

⁸⁹ The West Nile virus

احتمال ابتلا به ویروس نیل غربی که توسط انواع پشه منتقل می شود قبلاً فقط در مناطق استوایی وجود داشت اما هم اکنون این احتمال در دیگر مناطق جهان نیز وجود دارد. مبتلایان به این ویروس در معرض ابتلا به مننژیت و انسفالیت اند که از فوریت های پزشکی محسوب می شود. در یک حمله ویروسی در ایالت تگزاس در آمریکا در سال ۲۰۱۲، ویروس نیل غربی جان نزدیک به ۳۰۰ نفر را گرفت.

⁹⁰ Dengue fever

این بیماری از طریق ویروس دنگی (هم خانواده با ویروس نیل غربی) و توسط نوعی پشه یا ساس از فرد بیمار به افراد سالم منتقل می شود. این بیماری دردناک که گاه به مرگ بیمار می انجامد، از جمله بیماری های مناطق استوایی است که اخیراً به دیگر نقاط دنیا سرایت کرده است.

⁹¹ wood pallets

⁹² به بیان صریح تر، پدیده جهانی سازی چیزی نیست که با تغییرات جزئی اصلاح شود و یا به برکت فرهنگی غنی یا عزم راسخ سیاستگذاران یک کشور بتوان از زیاده خواهی های آن جلوگیری کرد. تولید مقیاس وسیع در جمیع حوزه ها، که الگوی حاکم توسعه در جهان کنونی است، بذاته، به لحاظ مقیاس نامناسب آن، ویرانگر و ظالمانه است. برای مطالعه بیشتر در مورد نقش تاریخی «تولید انبوه صنعتی» در تغییر و تحولات استعمار، آموزش، پژوهش های علمی و سیاستگذاری، بنگرید به: عباسی ۱۳۹۶.

تعجب آور نیست که کشاورزان در بسیاری از نقاط جهان، به جایگاه رهبری مقاومت بین المللی در برابر جهانی سازی صعود کرده اند. تا کنون، تظاهرات عظیمی توسط کشاورزان برنجکار در ژاپن، تایلند و فیلیپین برگزار شده است. میلیون ها نفر در هند بر علیه شرکت های بزرگی چون کارگیل، «مرغ سوخاری کتاکی»^{۹۳} و مونسانتو به خیابان ها ریخته اند. و چند سال پیش، کشاورزی فرانسوی به نام «جوزه بووه»^{۹۴}، به نشان اعتراض، با تراکتور وارد یکی از شعب رستوران آمریکایی مک دونالد در آن کشور شد. پس از این ماجرا، بووه دلایل زیر را برای اقدام خود برشمرد: «غذای بد»، سیستم کشاورزی صنعتی، جایگزین شدن شرکت های جهانی به جای کشاورزان خرد، تولید محصولات صادراتی [به جای محصولات مورد نیاز مردم] و تخریب کشاورزی سنتی در فرانسه.^{۹۵}

چه کسی از جهانی سازی اقتصاد سود می برد؟

شاید در نگاه اول، انسان تحت تاثیر عظمت کاری که معماران این آزمایش جهانی انجام داده اند قرار گیرد. شاید این طراحان واقعا ایمان داشته اند که با خلق این سیستم جهانی و تشویق رشد سریع و بالای حاصل از فعالیت های آن، طبقات کم درآمد و محیط زیست بهره مند می شوند. بارها این ضرب المثل تکراری را شنیده ایم: «در هنگام مدّ دریا، قایق همگان، ضعیف و غنی، رفعت می یابد.» ما این ضرب المثل را از سران سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی و بسیاری از رهبران کشورها شنیده ایم. اما این گفته تا چه حد در مورد تجارت جهانی مصداق دارد؟

مسئله واقعا از اینجا سرچشمه می گیرد که [به اشتباه] فرض بگیریم که رشد سریع و بالا می تواند دائمی باشد. با توجه به محدود بودن منابع کره زمین، رشد تصاعدی اقتصادها ادامه دانی نیست. از این رو ما نمی توانیم نسبت به این سوالات مهم بی تفاوت باشیم: «منابع مورد نیاز یک اقتصاد که می خواهد همواره در حال گسترش [سریع و بالا] باشد (منابعی چون انواع مواد کانی، چوب، آب و خاک زراعی) بدون اینکه کل سیاره محدود ما را تحلیل ببرد و خود

⁹³ Kentucky Fried Chicken

⁹⁴ José Bové

⁹⁵ این کشاورز معترض در دادگاه به جرم شرکت در تخریب اموال به ۳ ماه حبس محکوم شد، اما چون این عمل اعتراض آمیز وی و مبارزات پیگیر او در برابر ترویج بذره های تراریخته، از عمق نارضایتی اقشار مختلف مردم فرانسه، به ویژه کشاورزان، با سیاست های جهانی سازی بر می آمد، آقای بووه به عنوان قهرمانی ملی شناخته می شود. محبوبیت او به او کمک کرد تا در سال ۲۰۰۷، نامزد انتخاباتی ریاست جمهوری فرانسه شود.

ما را نابود کند، قرار است از کجا تامین شود؟ کره زمین تا کی می تواند آلودگی های ناشی از این رشد را تحمل کند؟ آینده پدیده هایی چون تغییرات آب و هوایی، انباشت پسماندهای شیمیایی و تحلیل رفتن لایه اوزون چه خواهد بود؟»

سوال مهم دیگر این است: واقعا چه کسی از این سیستم [و رشد سریع و بالای آن] سود می برد؟ مسلما کشاورزانی که از زمین و خانه و کاشانه خود بیرون رانده شده و به خیلی عظیم از بی خانمانان و بیکاران در حاشیه شهرهای بزرگ پیوسته اند را نمی توان برندگان این سیستم بر شمرد. این دسته از بازندگان که هم در کشورهای صنعتی و هم در جوامع در حال توسعه ظهور یافته اند از این سیستم نفعی نبرده اند. جمعیت شهرنشین جهان که به واسطه مهاجرت اجباری کشاورزان به شهرها و ایجاد مسئله حاشیه نشینی، با مسایل عدیده ای روبرویند هم از این سیستم نفعی نبرده اند. کارگران جهان هم که هر ساله شاهد کاهش قدرت خرید خود اند از این سیستم سودی نبرده اند. اقوام بومی جهان نیز که شاهد هجوم نمایندگان شرکت های جهانی به سرزمین اجدادی آنان برای شناسایی و تاراج آخرین منابع کره زمین بوده اند هم از این رشد طرفی نبسته اند. و مسلما طبیعت نیز از ظهور و گسترش این سیستم جهانی آبدان تر و شکوفا تر نشده است.

www.eabbassi.ir

سودبران اصلی این سیستم، مدیران عامل شرکت های جهانی اند. در ایالات متحده در دهه ۱۹۹۰، حقوق و پاداش [سالانه] مدیران بزرگترین این شرکت ها بالغ بر چندین میلیون دلار (در بسیاری از موارد، متجاوز از صدها میلیون دلار) بود. این در حالی است که قدرت خرید کارگران در این دهه، به میزان بسیار اندکی افزایش یافت.

در گزارشی که توسط «سارا اندرسون»^{۹۶} و «جان کاوانا»^{۹۷} در «انستیتو مطالعات سیاستگذاری»^{۹۸} منتشر شد نشان می دهد که در سال ۲۰۰۰ مدیران عامل شرکت های بزرگ به طور میانگین ۴۵۸ برابر کارگران شاغل در کارخانه های صنعتی حقوق دریافت کردند، در صورتی که همین نسبت در سال ۱۹۹۱، ۱۰۴ برابر بود. در گزارش دیگری به قلم «لورنس میشل»^{۹۹} و دیگران در «انستیتو سیاستگذاری اقتصادی»^{۱۰۰} که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد آمده است که

^{۹۶} Sara Anderson, Director, Global Economy Project, Institute for Policy Studies

^{۹۷} John Cavanagh, Institute for Policy Studies

^{۹۸} Institute for Policy Studies

^{۹۹} Lawrence Mishel

^{۱۰۰} The Economic Policy Institute / <http://www.epi.org/>

میانگین دستمزد ساعتی کارگران با لحاظ قرار دادن قدرت خرید ایشان طی ۲۵ سال اخیر، عملاً ۱۰ درصد کاهش یافته است. و حتی در یکی از صنایعی که اخیراً به رونق اقتصادی آمریکا کمک کرده است، یعنی صنعت رایانه، همان صنعتی که در آن برخی از افراد به ثروت هایی افسانه ای دست یافته اند، ۸۰ درصد کارگران خط تولید، موقتی و فاقد بیمه و دیگر مزایای حقوقی اند و دستمزدی معادل ۸ دلار در ساعت دریافت می کنند.

در سطح جهانی نیز، اقشار زحمتکش، از رشد سریع و بالای اقتصاد جهانی، شاهد افزایش قدرت خرید خود نبوده اند. «برنامه توسعه ملل متحد»^{۱۰۱} در سال ۱۹۹۹ در گزارشی با عنوان «گزارش توسعه انسانی»^{۱۰۲} آشکار کرد که شکاف طبقاتی بین غنی و ضعیف، درون کشورها و بین کشورهای جهان، به طور مستمر در حال فزونی است. در این گزارش، سیستم تجارت جهانی و نابرابری های ذاتی آن مقصر شناخته شده است. در سال ۲۰۰۴، «سازمان بین المللی کار»^{۱۰۳} تایید کرد که شکاف طبقاتی بین غنی و ضعیف در حال فزونی است و اینکه ۵۰ درصد تجارت و سرمایه گذاری در جهان از کشورهایی است که فقط ۱۴ درصد جمعیت جهان را تشکیل می دهند. در این گزارش تصریح شده است که فاحش ترین شکاف طبقاتی بین غنی و ضعیف، متعلق به ثروتمندترین کشور جهان، یعنی ایالات متحده است. این گزارش همچنین نشان می دهد که در کشورهای فقیر جهان، زنان کشاورز بیشترین آسیب را از جهانی سازی اقتصاد متحمل شده اند.

حتی سازمان سیا در ایالات متحده نیز این یافته ها را تایید می کند. نشریه این سازمان، «روندهای جهانی»^{۱۰۴}، در سال ۲۰۱۵ گزارشی منتشر کرد که در آن سیا اذعان می کند که جهانی سازی در آینده شکاف های بزرگتری بین برندگان و بازندگان این سیستم به وجود خواهد آورد. در این گزارش می خوانیم: «تکامل جهانی سازی فرآیندی توأم با تلاطم خواهد بود. افزایش فاصله طبقاتی و ناآرامی دائمی همراه با رکود اقتصادی، بی ثباتی سیاسی و بیگانگی فرهنگی، از جمله شاخص های این فرآیند است. این فرآیند در سیاست، به افراط گرایی و خشونت در میان اقوام، ایدئولوژی ها و مذاهب خواهد انجامید.»

¹⁰¹ The United Nations Development Program

¹⁰² Human Development Report

¹⁰³ International Labor Organization / ILO

¹⁰⁴ *Global Trends*

امروز، ۵۸۷ میلیارد دلار دنیا، ثروتی معادل با مجموع دارایی های نصف کم درآمد جمعیت کره زمین را در اختیار دارند. قدرت اقتصادی شرکت های جهانی نیز به همین مقیاس سرسام آور است. کل فروش ۲۰۰ شرکت بزرگ، بین سال های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۹ رشدی سریع تر از تمامی فعالیت های اقتصادی جهان داشت و معادل با تقریباً ۳۰ درصد کل تولید ناخالص داخلی جهان قرار گرفت. این در حالی است که این شرکت ها کمتر از ۱ درصد (دقیقاً سه چهارم ۱ درصد) نیروی کار جهان را در استخدام خود دارند. با رشد و جهانی شدن هر چه بیشتر، این شرکت ها از نیروی کار خود از دو طریق می کاهند: ۱) بهره گیری از دستگاه ها و ماشین ها به جای نیروی انسانی و ۲) خریداری شرکت های کوچکتر رقیب و حذف فرصت های شغلی آنها. همانطور که آلودگی های زیست محیطی بخشی از خصوصیات ذاتی توسعه صادرات-محور است، بهره گیری از مزیت مقیاس^{۱۵} برای حذف نیروی انسانی و افزایش سودآوری و ثروت صاحبان سرمایه نیز از ویژگی های طرح تجارت آزاد و جهانی سازی است. ادغام و تجمیع شرکت ها با هم، مشاغل بیشتری ایجاد نمی کند، بلکه از فرصت های شغلی موجود می کاهد.

در واقع، ایدئولوژی و قوانین و مقررات جهانی سازی، تا کنون معیشت میلیون ها نفر را نابود کرده و اساسی ترین خدمات عمومی آنها را نیز حذف کرده است. بنا بر مطالعات انجام شده توسط سازمان بین المللی کار، به رغم ثروت سرشاری که نصیب شرکت های جهانی شده است، آنها مالیات کمتری می پردازند. در واقع، پرداخت مالیات کمتر، با فلسفه اقتصاد نئولیبرالی سازگاری تام دارد. در گزارش ۲۰۰۴ این سازمان آمده است: «در ۳۰ کشور از ثروتمندترین کشورهای جهان، میانگین مالیات شرکت ها از ۳۷/۶ درصد در ۱۹۹۶ به ۳۰/۸ درصد در ۲۰۰۳ کاهش یافت.»

ناگفته نماند که در مواردی نیز بهبودهایی در شرایط زندگی در کشورهای جهان سوم دیده می شود و نهادهای برتون وودز مکرراً بر طبل این مثال ها می کوبند. اما آنچه این نهادها گزارش نمی کنند این است که این بهبودها عموماً موقتی و گذرا بوده است. و اقشاری که از این رونق مقطعی ناشی از اجرای طرح های مرتبط با جهانی سازی بهره برده اند، طبقه خواص در کشورهای جهان سوم بوده اند. [از سوی دیگر]، موفقیت چندی از کشورهای شرق آسیا که مکرراً از سوی نهادهای برتون وودز برای تبلیغ استفاده می شود، برخلاف این تبلیغات، نشانگر

نادرستی نسخه‌هایی است که جهانی سازی برای کشورهای جهان سوم می‌پیچد. این واقعیت را می‌توان با مطالعه دقیق‌تر عملکرد این کشورها دریافت:

معمولا از کشورهایی چون تایوان، کره جنوبی، سنگاپور و مالزی به عنوان ستاره‌های درخشان آسیا در اقتصاد نوین نام می‌برند. اما در این کشورها، بهبودها نه به واسطه پیروی مو به مو از دستورات و توصیه‌های نهادهای برتون وودز، بلکه به علت عمل نکردن به این توصیه‌ها بود. در واقع، این کشورها در توسعه بومی اقتصادهای خود موفقیت‌هایی داشتند چون دقیقا به عکس آنچه نهادهای بین‌المللی می‌خواستند عمل کردند: این کشورها تعرفه‌های گمرکی خود [برای حفاظت از تولیدکنندگان داخلی] را کاهش ندادند، حمایت از بنگاه‌های داخلی، اقتصادهای محلی و کشاورزان خرد خود را قطع نکردند و اجازه ورود به سرمایه‌گذاران خارجی به عرصه تولید و بازار سهام، بدون نظارت‌های لازم را ندادند. به بیان دیگر، در ابتدای کار، این کشورها به جای سپردن اقتصاد خود به دست سیاست‌های پشتیبان توسعه صادرات-محور، توان کشور برای تامین نیازهای اساسی مردم در اقتصاد داخلی را تقویت کردند. بدینصورت، با مقاومت در برابر مدل اقتصادی مورد تبلیغ برتون وودز، آنها موفق شدند از تلاطمات بازارهای صادراتی مصون بمانند اما همین کشورها، وقتی نهایتا به فشارهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تسلیم شدند، به سرعت، سیر نزولی خود به سوی آسیب پذیری بیشتر را آغاز کردند.

پس به طور خلاصه، بعد از گذشت سه دهه از اعمال دُرّ بالایی از داروی تجویزی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای بهبود سلامت اقتصادی جهان و یک دهه سیاست‌های جهانی سازی سازمان تجارت جهانی، بسیاری از کشورهای جهان دریافته‌اند که جهانی سازی وعده‌ای توخالی بیش نیست. آنها دریافته‌اند که سیاستگذاری‌های مرتبط با جهانی سازی نه برای منافع مردم و دولت این کشورها، بلکه برای سودآفرینی افسانه‌ای برای کشورهای ثروتمند و شرکت‌های جهانی آنها طراحی شده است. به همین دلیل، بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه کشورهای حوزه کارائیب و کشورهای آسیایی، از زمان مذاکرات اعضای سازمان تجارت جهانی در شهر سیاتل به این سو، موضع واحد و محکمی در برابر جهانی سازی اتخاذ کرده‌اند. در سال ۲۰۰۱، در مذاکراتی که در دوحه قطر برگزار شد، آنها با اکراه با دور جدیدی از مذاکرات موافقت کردند. و در سال ۲۰۰۳، در کنکون [مکزیک]، ایشان با برگزاری دور جدیدی

از مذاکرات مخالفت ورزیدند. تجربه این کشورها و واکنش آنان به جهانی سازی، نشان می دهد که ضرب المثلی که جلوتر در مورد مدّ دریاها و رفعتِ تمامی قایق ها در مورد نتایج جهانی سازی آوردیم، مصداق ندارد چرا که پس از گذشت چند دهه، روشن شده است که اساسا این مدّ در دریا فقط قایق های اشرافی توانگران دنیا را رفعت می بخشد و نه قایق کس دیگری.

برای صدها هزار تن از مردم جهان شکی باقی نمانده است که راه های دیگری هم [برای دستیابی به کیفیت برتر زندگی] وجود دارد. به بیان دیگر، پیوستن به جهانی سازی به هیچ وجه امری اجتناب ناپذیر نیست. جهانی سازی شامل مجموعه ای از قوانین و مقررات محدود کننده چند نهاد خودکامه است که همگی قابل تغییر اند، البته اگر واقعا مردم سالاری محور کار قرار گیرد.

اساسا جهانی سازی چیزی بیش از یک آزمایش تاریخی نیست؛ جهانی سازی، مدلی اقتصادی است که توسط تعداد بسیار اندکی از انسان ها برای منافع شخصی خود طراحی شده و توسط همان افراد به شیوه های مختلف تبلیغ می شود. به منظور کم ارزش جلوه دادن اقدامات نواندیشانی که برای طراحی راهکارهای جایگزین می کوشند، طرفداران جهانی سازی از این تلاش ها با صفاتی چون «یوتوپیا»^{۱۰۶} یاد می کنند. این در صورتی است که با آشکار شدن ناپایداری جهانی سازی در مدت نسبتا کوتاهی که از حیات زیانبار آن می گذرد، شکی باقی نمانده که جهانی سازی خود نوعی «یوتوپیا» برای سرمایه داران بزرگ جهان است که به لحاظ کاستی های عدیده آن، به سرعت به پایان خود نزدیک می شود. تا کی می توان به سیاست هایی که صرفا برای منفعت اقلیت بسیار کوچکی از جهانیان که اقتصادها و فرهنگ های جهان را یکسان و یکنواخت می کند تن داد؟ تا کی می توان کنترل جوامع محلی بر سرنوشت خود را از آنان گرفت و آن را در اختیار مراکز قدرت و تصمیم گیری شرکت های جهانی قرار داد؟ تا کی می توان شاهد آلوده شدن محیط زیست و ویرانی طبیعت بود و بیکار و بی خانمان شدن میلیون ها تن از کارگران و کشاورزان جهان را به نظاره نشست؟ چنین سیستمی نمی

¹⁰⁶ utopia

این واژه انگلیسی، معادل «آرمان شهر» یا «مدینه فاضله» است که از دیر باز، از منظر حکمای اسلامی و دیگر فلاسفه جهان، ایده آل تکامل اجتماعی و فرهنگی بشر بوده است. در متون انگلیسی عموما از این واژه برای اشاره به تصویری خیالی از یک جامعه ایده آل ولی غیر ممکن استفاده می شود.

تواند عمری طولانی داشته باشد. بسیار پسندیده تر است که ما در جستجوی راهکارهای دیگری باشیم.

ایالات متحده: مسئله اصلی، اشتغال

سارا اندرسون و جان کاورنا

آمریکاییان همان دغدغه هایی را در دل دارند که مردم در سراسر جهان، در کشورهای ثروتمند شمال و کشورهای کم درآمد جنوب، از آنها رنج می برند. مثلاً قانونگذاران در ایالت «سن لویی پوتوسی»^{۱۰۷} در کشور مکزیک همانند نمایندگان مردم در مجلس نمایندگان ایالت کالیفرنیا از مدافله شرکت های بزرگی چون «متال کِلد»^{۱۰۸} و «متانیکس»^{۱۰۹} به فشم آمده اند. در هر دو ایالت، این شرکت ها قادر بوده اند با اقامه دعوی در دادگاه ها، مقرراتی که برای حفاظت از منافع مردم وضع شده است را ملغی کنند. مردم «کوپابامبا»^{۱۱۰} در کشور بولیوی همانند مردم «نیو اورلینز»^{۱۱۱} و دیگر شهرهای آمریکا در برابر فشارهای موجود در برابر خصوصی سازی خدمات عمومی مثل آب شرب مقاومت می کنند. مثال دیگر اینکه، همچون مردم در دیگر کشورها که از نفوذ شرکت های بزرگ آمریکایی در فرهنگ، رسانه و سیستم های سیاسی خود نگران اند، مردم آمریکا نیز از نفوذ بیش از حدی که همین شرکت ها در کشورشان یافته اند دل خوشی ندارند.

اما متأسفانه، در سیستم جهانی امروز، منافع مردم یک کشور از جامعه در یک کشور غالباً در تقابل با منافع همان کشور در دیگر کشورها قرار می گیرد. از طریق پدیده ای که «برون سپاری»^{۱۱۲} نام گرفته است، مشاغل یک کشور به کشور دیگر منتقل می شود. این جابجایی مشاغل، در کشور مبدا موجب افزایش نرخ بیکاری و نارضایتی کشور زحمتکش می شود. اما در کشور مقصد به شکل مشاغل جدید و به نام «توسعه اقتصادی» ظهور می کند. این یکی از واقعیت های تراژیک سیستم اقتصادی ای است که جهانی شده است. این سیستم، زحمتکشان در یک کشور را بر علیه زحمتکشان کشوری دیگر بر می انگیزد. در آمریکا، در سال ۲۰۰۴، نارضایتی های مرتبط با برون سپاری به حدی بالا گرفت که به یکی از موضوعات کلیدی انتخابات ریاست جمهوری بدل شد.

اما سابقه و اهمیت کارگران آمریکایی در مورد اینکه آزاد سازی تجارت و سرمایه، ایشان را به رقابت با کارگران در دیگر جاهای دنیا وادار خواهد کرد، پدیده جدیدی نیست. در فرآیند جهانی سازی، مشاغل از کشورهای ثروتمند که در آنها سطح دستمزدها بالاست، به تدریج، به کشورهایی که در آنها کارگران دستمزدهای به مراتب پایین تری دریافت می کنند، کوچ کرده اند. دلیل دیگر برای برون سپاری مشاغل، ضعیف تر بودن قوانین حفاظت از حقوق کارگران و سلامت و پایداری محیط زیست در همین کشورهاست.

¹⁰⁷ San Luis Potosi

¹⁰⁸ Metalclad

¹⁰⁹ Methanex

¹¹⁰ Cochabamba

¹¹¹ New Orleans

¹¹² outsourcing

در این مقطع روشن نیست که آیا با انتقال مشاغل از ایالات متحده به دیگر کشورها، فقدان امنیت شغلی در این کشور به تعصب و انزواطلبی سیاسی در جامعه آمریکا دامن خواهد زد یا جهان شاهد راهکارهای عاقلانه تری برای اشتغالِ عزتمندان و دستمزد عادلانه برای شاغلین در تمامی کشور های جهان، چه صنعتی و چه در حال توسعه، خواهد بود. اگر چه انتقال مشاغل آمریکایی به کشورهای در حال توسعه چون هند، شرایط در آمدی را برای برنی از اقشار تحصیلکرده بهبود بخشیده است. اما نباید از نظر دور داشت که سیاست های بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی که میلیون ها نفر از کشاورزان مطی را به فیل بیکاران جهان افزوده است، موجب شده که سطح دستمزدها در بسیاری از همین کشورها به طور مصنوعی بسیار پایین باشد.

عامل دیگر در پایین نگه داشتن دستمزدها به طور مصنوعی، توانایی شرکت های جهانی در دامن زدن به ضحومت و تضعیف همبستگی در میان کارگران جهان بوده است. لذا برای اقشار کارگر و کارمند در ایالات متحده، پالش اصلی درک این معنی است که به نفع آنان است که همدلی و همبستگی خود را با مردم در دیگر نقاط دنیا حفظ کنند و اینکه راه حل مسایل، هم در کشورهای ثروتمند و هم در کشورهای کم درآمد، توجه بیشتر به تقویت اقتصادهای مطی است. در اقتصادهای مطی کلیه نیازهای مردم، به ویژه اشتغال، بهتر و بدون وابستگی به شرکت های جهانی تامین می شود، شرکت هایی که بدون وفاداری به دولت یا ملت خاصی، به مض کوچکترین تغییر در شرایط یک کشور، برای افزایش سودآوری، فوراً تاسیسات خود را به جایی از جهان که دارای شرایط مطلوب تری، از جمله دستمزدهای پایین تر و قوانین ضعیف تر، است منتقل می کنند تنها با اتقاد رویکردی مطی به اقتصاد است که می توان از فاصله طبقاتی که به همه مردم، در جمیع جوامع، آسیب رسانده است، کاست.

جهانی سازی و تغییرات آب و هوایی

ادوارد گلد اسمیت^{۱۱۳}

چه بسا تغییرات آب و هوایی، نگران کننده ترین مسئله ای است که بشر تا کنون با آن روبرو شده است و جهانی سازی اقتصاد آن را تسریع کرده است. «مجمع بین المللی تغییرات آب و هوایی»^{۱۱۴} (به اختصار «آی پی سی سی») پیش بینی کرده است که دمای کره زمین تا پایان سده ۲۱ میلادی افزایشی معادل با ۵/۸ درجه سانتی گراد را تجربه خواهد کرد. اما این مناسبه دقیقی نیست چرا که این سازمان چند عامل مهم که مسلماً به افزایش دمای بیشتری خواهد انجامید را در نظر نگرفته است، عواملی چون از میان رفتن جنگل های مناطق استوایی و تقریب رو به فزونی اراضی زراعی. این دو ذخیره بزرگ کربن در جهان، به واسطه فعالیت های تجارت

¹¹³ Edward Goldsmith, *The Ecologist*

¹¹⁴ The Inter-Governmental Panel On Climate Change / IPCC

جهانی و مدل توسعه مورد نظر آن، رو به نابودی است و از میان رفتن این ذخایر بر میزان دی اکسید کربن رها شده در جو و در نتیجه دمای هوا به شدت خواهد افزود.

هم اکنون، جنگل های استوایی در حدود ۶۰۰ میلیارد تن کربن، یعنی تقریباً همان مقدار کربن که در جو کره زمین هست، در خود ذخیره دارد. بخش عظیمی از این کربن ذخیره شده در جنگل ها، در دهه های آتی در جو آزاد خواهد شد. البته اگر قطع درختان توسط شرکت های جهانی تولید کننده الوار، که هیچگونه کنترلی بر فعالیت های آنان نیست، با سرعت کنونی ادامه یابد. رییس کل برنامه توسعه ملل متحد افریقا در این مورد نوشته است که فقط یک معجزه می تواند آنچه از جنگل های استوایی باقی مانده را نجات دهد.

همزمان، کشاورزی صنعتی صادرات-مصرف نیز به اراضی کشاورزی صدمه می زند. کشاورزی مسئول ۲۵ درصد کربن، ۶۰ درصد گاز متان و ۸۰ درصد نیتروژن اکسید^{۱۱۵} رها شده در جو است، هر سه از گازهای گلخانه ای محسوب می شود. تمام فاک های جهان با هم حدود ۱۶۰۰ میلیارد تن کربن در خود ذخیره دارد، یعنی بیش از دو برابر آنچه در جو کره زمین موجود است. بخش عظیمی از این ذخیره در چند دهه آینده در جو رها خواهد شد مگر اینکه به سرعت، روش های مصلی، پایدار و غیر شیمیایی کشت و زرع جایگزین کشاورزی صادراتی شود.

علاوه بر آی پی سی سی، مرکزی تحقیقاتی در زیر مجموعه سازمان هواشناسی بریتانیا به نام «مرکز هدلی»^{۱۱۶} تحقیقاتی پیرامون میزان افزایش دمای کره زمین طی قرن حاضر انجام داده است که حاوی نتایج نگران کننده تری است. در این تحقیقات، عامل نابودی جنگل ها و تخریب اراضی زراعی لحاظ قرار گرفته است. محققین این مرکز، افزایش دما را حدوداً ۸/۸ درجه سانتی گراد و نه ۵/۸ درجه سانتی گراد مناسبه کرده اند. بسیاری از هواشناسان جهان با این رقم موافق اند. و اگر آنها درست بگویند، پیامدهای چنین افزایشی حقیقتاً هولناک خواهد بود.

آی پی سی سی سی به ما می گوید که رخدادهای جوی چون افزایش موج گرما، توفان و سیل و نیز شیوع بیماری های نواهی استوایی به مناطق معتدل تر زمین که هم انسان ها و هم محصولات زراعی را متأثر خواهد ساخت را در سال های آتی انتظار داشته باشیم. این سازمان همچنین به ما می گوید که بالا آمدن سطح آب دریاها، جهان تا ۸۸ سانتی متر را دور از انتظار ندانیم. در این صورت، آبگرفتگی اراضی عاشیه دریاها، به صورت موقتی یا دائم، ۳۰ درصد اراضی زراعی جهان را به زیر آب فرو خواهد برد. این رویداد به ویژه کشاورزان مناطق کم ارتفاع تر، مثل اراضی زراعی در کشور بنگلادش و کشورهایی که مجمع الجزایر اند^{۱۱۷} را تحت تاثیر بیشتر قرار خواهد داد. نوار

¹¹⁵ Nitrous oxide

این یکی از گازهای عمده ای است که در جو، نه تنها بر شدت پدیده گلخانه ای و تغییرات آب و هوایی می افزاید، بلکه از تحلیل برندگان لایه اوزون نیز محسوب می شود. ۱۰ درصد از نیتروژن اکسید که سالیانه در جو آزاد می شود را به کود شیمیایی اوره که از پر مصرف ترین انواع کود شیمیایی در کشاورزی صنعتی در جهان است نسبت می دهند.

Goldsmith 2004

¹¹⁶ The Hadely Centre, the British Meteorological Organization

¹¹⁷ مثل اندونزی و فیلیپین

ساحلی ایالات متحده هم از این مصیبت بی نصیب نخواهد ماند و اگر پیش بینی مرکز هدلی درست باشد پیامدهای مورد انتظار بسیار شدید تر خواهد بود.¹¹⁸

از دیگر رخدادهای مرتبط با گرم شدن کره زمین، ذوب شدن ذفایر یخی قطب شمال و جنوب است. به ویژه شاهدیم که لایه های یخی ایسلند، بسیار سریع تر از آنچه آبی پی سی سی پیش بینی کرده است، در حال آب شدن است. ذوب ذفایر یخی جهان، کاهش شوری آب های اقیانوس ها را در پی خواهد داشت. این پدیده می تواند عملاً جریانات اقیانوسی، از جمله جریان «گلف استریم»¹¹⁹ را تضعیف و یا از بستر کنونی خود جابجا کند. این فرآیند در نهایت ممکن است به یخ زدن مناطقی منجر شود که هم اکنون اقلیمی معتدل دارند، مثل شمال اروپا. جالب توجه است که پدیده گرم شدن کره در برخی نقاط عملاً به سرماهای شدید می انجامد [که مسلماً بر پیچیدگی مسایل خواهد افزود].

در سال ۲۰۰۴، روزنامه «بریتیش آبزور»¹²⁰ از مطالعه ای معرمانه توسط پنتاگون آمریکا¹²¹ خبر داد. در این مطالعه، پنتاگون هشدار داده است که شهرهای اروپایی در آب بالا آمده دریاها فرو خواهند رفت. آب و هوا در انگلستان تا قبل از پایان نیمه اول قرن حاضر اقلیمی همانند سیبری در روسیه پیدا خواهد کرد. ظاهراً در همین گزارش همپنین خبر از وقوع احتمالی جنگ های هسته ای، خشکسالی های فوق العاده شدید، قطعی و شورش در واکنش به این رخدادهای در سراسر جهان داده شده است. مؤلفین این مطالعه، از جمله یکی از مشاوران سازمان سیا به نام «پیتر شوارتز»¹²²، که زمانی به عنوان رییس برنامه ریزی شرکت [فتی] «رویال دلچ/شیل»¹²³، ایفای نقش می کرد

www.eabbassi.ir

¹¹⁸ آگاهی یافتن از آمارهای هشدار دهنده در مورد آسیب های زیست محیطی ممکن است به تدریج در مخاطبین احساس ناامیدی و بی تفاوتی را تقویت کند. اما برداشت دیگری که اذهان بیدار از اینگونه اطلاعات کرده اند، درک عمیق این واقعیت است که توسعه مدرن به معنی پیشرفت جامعه بشری، وعده ای دروغین بیش نیست و این باور که هر کشوری باید تلاش کند تا از «قافله پیشرفت» عقب نماند، فقط کشورها را در عمق بیشتری از آسیب های مرتبط با این فریب غوطه ور می سازد. از سوی دیگر، این آمار، ابعاد عظیم آسیبی را نشان می دهد که آینده تمام ساکنین کره ارض، از جمله انسان، حیوان و نبات، را تهدید می کند، آسیبی که با آزمایش سودجویانه اقلیتی بسیار کوچک اما قدرتمند و خودکامه از زیاده خواهان جهان بر جوامع و طبیعت کره زمین تحمیل شده است. در بسیاری از جوامع، این آگاهی نه تنها موجب ناامیدی نشده، بلکه جمعیت رو به رشدی از مردم را در جهت ابداع راهکارهای جایگزین و نقش آفرینی در اداره امور اقتصادی جامعه محلی خود برانگیخته است. ابتکارات مؤثر و زیبای این نسل آزاده، غیرتمند و ظلم ستیز، که مورد حمایت سیاستگذاران و مسئولین این کشورها نیز قرار گرفته است، از تحولات الهام بخش و امیدوارکننده عصر حاضر در حوزه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تمدن بشری در کره زمین است که از درون زشتی های امروز جهان متولد شده است. اطلاعات بیشتر در این مورد در بخش ۲ این مجموعه مقالات آمده است.

¹¹⁹ Gulf Stream

یکی از جریانات گرم اقیانوس اطلس است که از خلیج مکزیک آغاز و اقیانوس اطلس را طی می کند.

¹²⁰ British Observer

¹²¹ Pentagon وزارت دفاع دولت ایالات متحده

¹²² Peter Schwartz

¹²³ Royal Dutch/Shell

معتقد اند که تغییرات آب و هوایی را باید فرای صرفا یک بحث علمی پنداشت چرا که موضوعی مربوط به امنیت ملی [کشورها] است.

در واقع پیامدهای تغییرات آب و هوایی سریع تر از آنچه پیش بینی شده است در حال ظهور اند. چهار سال خشکسالی پیاپی در بسیاری از نقاط آفریقا منجر به وضعیتی شده که ۳۰ تا ۴۰ میلیون نفر در معرض گرسنگی و مرگ قرار گرفته اند. خشکسالی در کمربند ذرت در آمریکا، دشت های کانادا و کمربند گندم در استرالیا احتمالا صادرات غله از این کشورها را به شدت کاهش خواهد داد که خود به معنی محدودیت غذایی بیشتر برای توده های وسیعی در آفریقا و دیگر جاهای دنیاست که در معرض گرسنگی فزاینده قرار گرفته اند. اخیرا وضعیت آب و هوایی در اروپا نیز مصیبت بار بوده است. وقوع سیل در آلمان در سال ۲۰۰۲ نزدیک به ۱۰ میلیارد یورو خسارت وارد کرد. در همان سال، توفان های شدید در شمال ایتالیا همراه با ریزش دانه های مهیب تگرگ به اندازه توپ کلف، محصولات زراعی را در سطحی وسیع نابود کرد. خشکسالی در جنوب اروپا همچنین به طرز فاضلی از برداشت محصولات کاسته است، از جمله برداشت زیتون در جنوب و مرکز ایتالیا.

تمام این اتفاقات مصیبت بار و خسارات مهیب آن، نتیجه فقط ۰/۷ درجه سانتی گراد افزایش دمای کره زمین بوده است. پس وضعیت کشاورزی و تولید غذا در کره ای که دمای میانگین آن ۲ یا ۳ درجه افزایش یافته چگونه خواهد بود؟ در صورت افزایش میانگین دما تا پایان این قرن برابر با ۵ تا ۸ درجه سانتی گراد، وضعیت به چه صورتی تغییر خواهد کرد؟

www.eabbassi.ir

اگر حتی ما همین امروز از مصرف سوخت های فسیلی دست برداریم، سیاره ما به گرم شدن خود برای ۱۵۰ سال دیگر ادامه خواهد داد چرا که مدت زمان «ماندگاری»^{۱۲۴} دی اکسید کربن در جو، در این حد است. گرم شدن اقیانوس ها مدت طولانی تری، نزدیک به ۱۰۰۰ سال، ادامه خواهد یافت. این به این معنی است که واقعا تنها گزینه ای که ما در حال حاضر داریم این است که سریعاً اقداماتی فزاینده و اساسی برای کند کردن فرآیند گرم شدن دمای زمین را آغاز کنیم به این امید که تنها سیاره ای که در آن زندگی می کنیم را تا مدتی، قابل زندگی تر نگه داریم. این اقدامات ناگزیر شامل به حداقل رساندن تولید محصولات صادراتی است. این اقدام به خودی خود مقادیر عظیمی از مصرف سوخت های فسیلی می کاهد. اقدام دیگر، اجرای تغییرات وسیع در نظام کشاورزی کنونی جهان است. تا کنون دولت ها در کشورهای صنعتی جهان توجه کافی به این مسئله نداشته اند و برنی از آنها، مثل ایالات متحده، به آن کاملا بی اعتنا بوده اند. در این کشورها، نقش آفرینی و مشارکت گسترده تر مردم در گفتمان سیاسی در این ارتباط الزامی است.

¹²⁴ carbon residence time

نقش رسانه

نشانه‌های عدم ثبات و بی‌عدالتی آزمایش ناموفقی که «جهانی سازی» نام گرفته است در جای جای جهان، قابل رؤیت است. اما متأسفانه انعکاس آنها در رسانه‌ها بسیار ضعیف است. وقتی که رسانه‌های حاکم، نمونه‌هایی از بحران‌های مرتبط با جهانی سازی را منعکس می‌کنند، گزارش‌ها فاقد اطلاعاتی کلیدی است که ارتباط ریشه‌ای این بحران‌ها را با پدیده جهانی سازی نشان دهد. برای تبیین این نکته، در زیر، چند مثال می‌آوریم:

- ما در مورد مسایل زیست محیطی بسیار می‌شنویم و می‌خوانیم. اخبار در مورد مسایلی چون تغییرات آب و هوایی، ذوب شدن یخ‌های قطبی، تحلیل رفتن لایه اوزون و نابودی زیستگاه‌های وحش، در رسانه‌ها و مطبوعات مکرراً پخش و نشر می‌شود. همچنین در این منابع در مورد آلودگی اقیانوس‌ها و جنگ‌های نفتی (و احتمالاً در آینده، جنگ‌های آبی) می‌خوانیم. اما به ندرت این گزارش‌ها، از ارتباط بین بحران‌ها و رشد اقتصاد جهانی که هم اکنون از طریق تجارت آزاد، استخراج افراطی منابع و ترویج سبک زندگی پرمصرف تشدید یافته است، حرفی به میان می‌آورند.

www.eabbassi.ir

- دلیل رخداد بحران‌های مالی در آسیا در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۷ و در آرژانتین در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲، بی‌لیاقتی مدیران، فقدان بهره‌وری لازم، فساد و چیرگی رابطه بر ضابطه در این کشورها اعلام شد. رسانه‌ها [ای غربی]، کمک‌های مالی عظیمی که صندوق بین‌المللی پول برای خروج کشورهای آسیایی از این بحران پرداخت کرد را چنان وانمود کردند که این امری خیرخواهانه و از سر دلسوزی برای کمک به دوستان خوب اما ناکارآمد و بیچاره غرب در آسیاست که هنوز به بلوغ اخلاقی، همسان آنچه در کشورهای غربی وجود دارد، نرسیده‌اند. به ندرت اذعان شد که این مبالغه‌نگفت‌نه به شهروندان آسیب دیده در این کشورها، بلکه برای جلوگیری از ورشکستگی بانک‌های بین‌المللی بی‌مسئولیتی هزینه شد که خود موجب به وجود آمدن حباب اقتصادی [بحران آفرین] در آن کشورها شده بودند.

رسانه‌های پربیننده و پرخواننده همچنین گزارش نکردند که بخش قابل توجهی از مسئولیت رخداد این بحران‌ها، به سرمایه‌گذاران خارجی مربوط می‌شد که نظر به کسب سود بالا در سرمایه‌گذاری در بازار ارز این کشورها داشتند. مقررات جدید تجارت آزاد حکم می‌کند که کشورهای عضو هر گونه مقررات مرتبط با کنترل ورود و خروج پول به داخل و خارج کشور

را ملغی کنند. و از زمان پیدایش شبکه های رایانه ای جهان، سرمایه گذاران بازار سهام، ارز و کالا، مقادیر بسیار بالایی از وجوه را به صورت آنی و بدون اینکه نظارتی بر کار آنها باشد از گوشه ای از جهان به گوشه دیگر آن به امید سرمایه گذاری مخاطره آمیز و قمارگونه و سود بردن از نوسانات نرخ ها در این بازارها منتقل می کنند. این حجم فزاینده مبادلات پولی موجب تلاطمات ویرانگری در اقتصاد کشورها و ارزش پول ملی آنها می شود که نهایتا آنان را مجبور به پناه بردن به وام های صندوق بین المللی پول می کند. این پدیده که کشورها را از اعمال نظارت و کنترل بر رفت و آمد سریع میلیاردها دلار به اقتصادشان عاجز کرده است را «اقتصاد کازینویی»^{۱۲۵} نام نهاده ایم. اگر کشوری اقدام به وضع مقررات برای اعمال کنترل بر سرمایه گذاری کازینویی کند، مثل مواردی که در چین، شیلی و مالزی رخ داده است، این اقدامات از سوی نهادهای برتون وودز و رسانه ها به باد مسخره و تحقیر گرفته می شود.

- رسانه ها در مورد معضل مهاجرت و واکنش تبعیض آمیز نژادپرستان گزارش می کنند، اما هرگز اشاره نمی کنند که مهاجران و پناه جویان در واقع قربانیان پیمان های تجارت بین المللی اند که ادامه زندگی در زادگاه خود را دشوار یا غیر ممکن می یابند. در هند، آفریقا و آمریکای لاتین، برنامه های بزرگ توسعه، میلیون ها تن از مردمان محلی را از محل زندگی خود بیرون رانده تا جا برای احداث سدهای عظیم و دیگر پروژه های توسعه گشوده شود. مثال دیگر اینکه، پیمان نفتا که قبلا به آن اشاره شد، عملا نظام کشاورزی ذرت کاران قوم مایا در مکزیک را نابود کرده است. این آوارگان رانده از خانه و کاشانه خود، چاره ای جز مهاجرت به شهرها و پیوستن به توده های بیکار حاشیه نشین شهرهای بزرگ نداشته اند.

- شیوع بیماری های مهلکی چون ابولا^{۱۲۶}، جنون گاوی، عفونت ای کولای و ویروس نیل غربی به صورت کامل در رسانه ها گزارش می شود. اما ارتباط بین بروز و شیوع بی سابقه بیماری ها و تجارت جهانی که ناقل عوامل بیماری زا از یک گوشه جهان به گوشه دیگری است به ندرت مطرح می گردد. گزارشات خبری همچنین در مورد ارتباط بین جهانی شدن

¹²⁵ casino economy

¹²⁶ ebola

ابولا بسیار مسری است. به گزارش سازمان بهداشت جهانی، در ابتدا، بیشترین تعداد مبتلایان این بیماری در سه کشور آفریقایی گینه، سیرالیون و لیبریا در سال ۲۰۱۵ یافت شد اما این بیماری به سرعت به دیگر نقاط جهان اشاعه یافت. ابولا تا ماه مه سال ۲۰۱۶، جان بیش از ۱۱ هزار نفر در جهان را گرفت.

کشاورزی صنعتی به طور اعم و پرورش و تولید انبوه دام و طیور به طور اخص از یک سو و شیوع بسیاری از بیماری های عصر ما از سوی دیگر ساکت است.

- از طریق رسانه ها ما در مورد تجاوز به سرزمین های آخرین قبایل بومی دنیا در جنگل های آمازون، بورنئو و فیلیپین مطلع ایم. اما این گزارشات به اندازه کافی به دلیل ریشه ای این خشونت ها که چیزی جز طمع فزاینده جهانی سازی به منابعی چون آب، جنگل، نفت و ذخایر ژنتیکی اکتشاف شده در زیستگاه تاریخی این قبایل نیست اشاره نمی کنند. از سوی دیگر، استقرار جهانی سازی در این کشورها می طلبد که مردم فرهنگ بومی خود را کنار بگذارند و صرفاً مصرف کننده کالاهای صنعتی شوند. کما اینکه شاهدیم قبایل رانده شده از زیستگاه های بومی، به جمعیت های مصرف کننده کالاهای صنعتی در شهرها می پیوندند و این هدف جهانی سازی را تامین می کنند.

به طور کلی، تمامی این موضوعات به نحوی در رسانه ها منعکس می گردد که انگار با هم بی ارتباط اند. این گونه پخش خبر به مردم عصر حاضر که در مورد آینده نامطمئن اند و سعی دارند خود را از این ابهام خارج کنند کمکی نمی کند. رسانه ها موضوعات متعدد و نگران کننده ای چون شهرهای پر ازدحام، الگوهای غیر عادی آب و هوایی، رشد بی عدالتی اجتماعی در جهان، شیوع بیماری های جدید، کاهش دستمزدهای اقشار زحمتکش و در عین حال افزایش نجومی حقوق مدیران، حذف خدمات اجتماعی و تخریب محیط زیستی را گزارش می کنند، اما مردم نمی دانند که همه این رخدادها ابعاد مختلف یک فرآیند واحد جهانی است. این مسایل جملگی ابعاد مختلف مجموعه ای یکپارچه از ارتباطات ناشی از ساختاری جدید برای اقتصاد جهانی است. و این مجموعه یکپارچه، از ایدئولوژی اقتصادی ای پیروی می کند که آشکارا از خدمت به جوامع انسانی و حفاظت از پایداری طبیعت عاجز است.

کتابشناسی

- لیم لی چینگ. ۱۳۹۲. آیا «کشاورزی بوم شناختی» قادر است پاسخگوی نیازهای امروز کشاورزی جهان باشد؟ ماهنامه سنبله، فروردین، شماره ۲۲۶: ۷۳-۷۲. همچنین در سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی

مصرف» (دسترسی ۱۱ مرداد ۱۳۹۶) www.eabbassi.ir/pdf/article_ecoagriculture_frsi.pdf

- جواد صفی نژاد. ۱۳۶۸ الف. بنه: نظام های زراعت سنتی در ایران. تهران: امیرکبیر.

- _____ . ۱۳۶۸ ب. نظام های سنتی آبیاری در ایران. جلد ۲. مشهد: آستان قدس رضوی.
- _____ . ۱۳۵۹. نظام های سنتی آبیاری در ایران. جلد ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- اسفندیار عباسی. ۱۳۹۶. دکتری، نه لازم و نه کافی: مقاومت همه جانبه با «تحصیل کامل»، چرا و چگونه
سایت اطلاع رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۹۶)
www.eabbassi.ir/pdf/article_culture_phdnotnecessaryAbbassi.pdf
- _____ . ۱۳۹۵. در دانشگاه نمی آموزیم: علم سیستم ها، ساز و کار سلطه، لازمه مقاومت. سایت اطلاع
رسانی «در خدمت اصلاح الگوی مصرف» (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۹۶)
www.eabbassi.ir/pdf/article_culture_syssciencevonFoerster.pdf
- _____ . ۱۳۹۴. تحقق اقتصاد مقاومتی در دیگر جوامع، چرا و چگونه. سایت اطلاع رسانی «در خدمت
اصلاح الگوی مصرف» (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۹۶)
www.eabbassi.ir/pdf/article_economics_demmultiresieconAbbassi.pdf
- _____ . ۱۳۹۰. پژوهش دانش بومی: شمشیری دو لبه در عصر تجارت جهانی، مورد گیاه شناسی بومی.
فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۳، تابستان. (دسترسی ۲۳ شهریور ۱۳۹۴)
www.eabbassi.ir/pdf/articlebiopiracy.pdf
- مرتضی فرهادی. ۱۳۷۳. فرهنگ یاریگری در ایران: درآمدی به مردم شناسی و جامعه شناسی تعاون. جلد اول:
یاریگری سنتی در آبیاری و کشتکاری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- Gregory Bateson. 1972. *Steps to an Ecology of Mind*. New York: Ballantine.
- Ha-Joon Chang. 2002. *Kicking Away the Ladder: Development Strategy in Historical Perspective*. London: Anthem.
- Pratap Chatterjee. 2003a. Bechtel Drums Up War Business. *Asia Times Online*. May 22. (accessed 23 July 2017) http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/EE22Ak02.html
- _____. 2003b. Halliburton Makes a Killing on Iraq War: Cheney's Former Company Profits from Supporting Troops. *CorpWatch*. March 20. (accessed 23 July 2017) <http://www.corpwatch.org/article.php?id=6008>
- Thomas L. Friedman. 2002. Globalization As an International System, in Suellen Lambert Lazarus, et al (eds.) *IFC and Its Role in Globalization: Highlights from IFC's Participants Meeting*, Washington, D.C., June 6-7, 2001. Washington DC: World Bank, International Finance Corporation.
- _____. 2000. The Golden Straitjacket, in *The Lexus and the Olive Tree*. New York: Anchor Books, pp. 101-111.
- Edward Goldsmith. Returning to An Agriculture that Protects the Atmosphere, in John Cavanagh and Jerry Mander, eds. 2004. *Alternatives to Globalization: A Better World Is Possible*. San Francisco: Berrett-Koehler Publishers, pp. 218-220
- *The Guardian*. 2012. Mad Cow Disease – A Very British Response To An International Crisis, April 25. (accessed 25 July 2017) <https://www.theguardian.com/uk/2012/apr/25/mad-cow-disease-british-crisis>
- Elinor Ostrom. 1990. *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*. Cambridge: Cambridge University Press. (accessed 29 August 2016) http://wtf.tw/ref/ostrom_1990.pdf
- Robert G. Wallace. 2017. Industrial Production of Poultry Gives Rise to Deadly Strains of Bird Flu H5Nx. *Independent Science News*, January 30. (accessed 25 April 2017) <https://tinyurl.com/ldf3b8o>
- D. Michael Warren et al. (eds.) 1995. Part III. Indigenous Organizations, in *The Cultural Dimension of Development: Indigenous Knowledge Systems*. London: Intermediate Technology Publications.